

قیام امام ایران

از نظر سوزای نویسندگان

هادی بهزاد

هیاهوی عقده گشایی

خمینی نیز اگر بقدرجوی انصاف و مسروت داشتند، سنگینی حق پیرمرد را برگردن خود نمی کردند و در هرنفس، با زبان شکر، لا اقل بخود می گفتند:

اگر و با این دنیا دنیا بی رحمی و شقاوت و این رکوردهای بی سابقه در ویرانگری و آدم کشی و تانکس در میان نبود، حال و روز ما با این کارنامه های برده دروایین شاه های جاندار، در جمع این مسردم موشکاف به کجا می کشید؟ اظها روجود که سهل است، بی حضور خمینی و مخلوقات او کی و کجا مهلتی دست می داد تا چنین پرجرات و آشکارا، زجا نقاشی های بی دریغ خود در راه سعادت ملت و مملکت، حما سه بسا زیم؟ بر فغانی بهشتی که به قیمت خون دل و ایشا روکف نفس ما برپا شده بود، بنا کنیم؟

بقیه در صفحه ۲

حیثی شکان

آنگر بند نشستم

زبان داشت...

در انتخابات دوره هفدهم مجلس شورای ملی مرحوم دکتر امامی اما مجمع تهران از ما با دوکیل شد و تا واقعه سیام تیر هم ریاست مجلس را عهده دار بود. از همان زمان گروهی نظامی و غیر نظامی و در امام جمعه جمع شدند و عنوان "جمعیت برادران" بر خود گذاشتند و بعدها، اغلب آنها در دستگاه اداری مشاغل و مناصب مهمی احراز کردند. زمانی، یکی از اعضای مؤثر این گروه را که ما حب مناصب معرفی بودیم، آنها غلاص گرفتند و زندانی کردند و قرا ریود ما که اش کنند. جمعی از "برادران" به منزل اما مجمع رفتند و از وی خواستند که برای استخلاص رفیقشان کوشی بکنند. مرحوم امام جمعه گفت اول با یدبغیم جرم واقعی این شخص چیست چون در این مملکت هیچکس را بجرم دزدی یا هیزی در از نمی کنند؟

بقیه در صفحه ۱۲

لیلی و مجنون نظامی

در صفحه ۶

گذشته زروضه خوانی که به دنبال عمری دوندگی برای رسیدن به انعام و منبری، یکشنبه "را صدساله"، که راهی بیسرون از دنیا ی تصورات و روی با های خود را پیمودند و به طرفه العینی بدرجات اعلا ی آخوندی و حکومتی جنگ انداختند و به "موهبت قسط اسلامی" هر کدام به قارونی بدل شدند... گروهی از "دشمنان" سعید رضوانی

سعید رضوانی

هر نیویورک

حجت الاسلام والمسلمین، سعید علی آقا خا منهای، روز بیست و دوم سپتامبر بعنوان رئیس جمهوری کشور اسلامی ایران در ساختمان عظیم شیشه ای سا زمان مسلل متحد حضور یافت و بنا م دفاع از حقوق ملت ایران به ایراد خطابه پرداخت. به متن روضه ای که خواند و با بنظر و آنطرف، شنیده اید و خواننده ایدکاری ندا ریم، اما... اما بیبا دمان آمد که سی و شش سال پیش، در زیر همین سقف وستون، مردی در مقام رئیس دولت از حقوق ملت ایران دفاع می کرد که دکتر محمد مصدق نام داشت. بقیه در صفحه ۴

سوزنی ساقی

در شوری در زمان برژنف لطیفه ای بر سر زبا نها بود، و آن اینکه برژنف روزی ما در پدیرش را به کاخ کرملین می برد و تساق کار، تا ق پذیرا می، تا ق خواب، سالن نا ها ر خوری و همچنین هدایای گرانبهای را که روی سالی دولتها برای او فرستاده اند به وی نشان می دهد. ما در برژنف که از آنهمه زیور و تجمل، هوش از سرش پریده، رویه پسر کرده می گوید: بله، این ها بسیا رشک و همنند و زیبا ست، ولی می ترسم این سرخ های نمک نشناس انقلاب کنند و این ها را همان گونه از تو بگیرند که از ترا گرفتند.

نمی دانیم که علی اکبرها شمی رفتن جانی و لده خود را به تا لار پذیرا می مجلس شورای اسلامی برده یا با توموبیل ضد ترا گرفتند.

بقیه در صفحه ۹

آن غده بد خیم در کجاست

جدی صلح است و فقط در انتظار رکنسار رفتن خمینی از صحنه سیاست است تا وزن و اندازه خود را به تما نشان دهد، بقیه در صفحه ۲

تعمیراتی که بسیار

دیر انتخاب شد

نهضت مقاومت و دوسال پیش از فعالیت سری دفتر خریدار سلحه برده برداشت

دولت انگلستان روز چهارشنبه بیست و سوم سپتامبر، دستور تعطیل دفتر خرید سلحه جمهوری اسلامی در لندن را صادر کرد و زسی و چند تن ایرانی که در این دفتر کار می کردند خواست که طرف پانزده روز خاک انگلستان را ترک گویند.

دستور تعطیل این دفتر که در قلب پایتخت انگلستان، مقابل وزارت بازرگانی انگلیس و در همسایگی اسکاتلند یارد قرار دارد، در پی حمله یک ناوچه تندرو جمهوری اسلامی به نخستکش انگلیسی "جنتل بریز" در بعد از ظهر دوشنبه ۲۱ سپتامبر در خلیج فارس ما در شد.

روزنامه "تایمز" چاپ لندن در سر مقاله روز پنجشنبه ۲۴ سپتامبر خود نوشت: تعطیل دفتر غیر رسمی خرید سلحه جمهوری

بقیه در صفحه ۴

دورای نهضت مقاومت ملی ایران

اجلاس عادی شورای نهضت مقاومت ملی ایران، از ساعت ۱۰ صبح روز ۲۸ شهریور ماه ۱۳۶۶ برابر با ۱۹ سپتامبر ۱۹۸۷، تا پایان روز مذکور، به ریاست دکتر شایور بختیار، رهبر نهضت، برگزار شد.

آقای امیر حسین امیر پرویز، مسئول شاخه نهضت مقاومت ملی در انگلستان، که پس از حادثه سوء قصد ماه ژوئیه گذشته، همچنان دوران نقاهت را می گذراند در جلسه حضور یافته بود. دکتر بختیار را زاینکه آقای امیر پرویز از این توطئه جان سالم بدر برده است، اظها ر خوشوقتی کرد.

بقیه در صفحه ۷

انتشار ناگهانی خبر پیدا شدن غده های بد خیم در مغز آیت الله خمینی و احتمال اینکه وی در اواخر ماه نوامبر در وین زیر عمل جراحی قرار گیرد، ظاهرا هیچ ربطی به آنچه در خلیج فارس می گذرد و آنچه در باره خلیج فارس می شنویم، ندارد. کاری به این ندا ریم که این خبر، نادرست است یا درست، ولیسی زمان انتشار آن ذهن را به طرح پرسش های برمی انگیزد: از آنجا که جمهوری اسلامی در تنگنای وقت است، انتشار این خبر آیا گریزگانه های تازه ای برای آن می گشاید؟ اگر بر اساس آیت الله چنان بیمار است که با یدبی درنگ به تریش برود و جراحی شود، آیا بهترین است که قدرت های بزرگ مجازات جمهوری اسلامی به عنوان دولتی که قطعاً ماه ۵۹۸ را نپذیرفته است، دست بردارند تا ببینند چا نشینا ن او در باره جنگ و صلح چه می اندیشند؟ در حالی که جناحی در هیأت حاکم ایران خواستار

به کار ترقی انی اسرائیل

دشمن دشمن من، دوست من است. اسرائیل برای آن که "دوست" خود را از بین دولت در حال جنگ در منطقه خلیج فارس انتخاب کند، ظاهرا هیچ درنگی نکرده است؛ عراق را، پیش از هر چیز به عنوان کشوری عربی، دشمن خود می داند، وقتی که اسرائیل دشمن را انتخاب کرد، دیگر انتخاب دوست نیازی به تامل بسیار ندارد. چنین است که اتحادی تا مدون و غریب بین رژیم آیت الله خمینی و حکومت اسرائیل پیدا شده است.

اسرائیلیان در این انتخاب بیگمان از دیدگاه صالح بلند مدت استراتژیک خود به قضا یا نگاه می کنند و درست یا نادرست، خطری را که ملموس تر و نزدیک تر می دانند، به عنوان خطری جدی ترمی گیرند.

نزاع عرب و اسرائیل، تاریخی دست کم هفتاد ساله دارد، سطح جغرافیایی این نزاع به گستردگی سرزمین های بقیه در صفحه ۴

بقیه از صفحه ۱

ناسیاسی نمک را خورد و نمکدان را شکست و نمک ساز را یکام "مصیبت و درگیری" کشید، بیست و یکم و کردن همسارا بالا بگیریم و در صف طلبکساران بنشینیم؟ درینا که از آن یک جوانف و مروت نشانی نیست، و اما خدمت خمینی به این طایفه تنها از آن نیست که با بقیه را با زکرده است، بلکه عمدتاً از جسد است که بی حیرت انگیز و در لافزنی است که بی مبالات می توان گفت، مقیاسات قضاوت را شکسته است.

وقتی چشم در چشم میلیون ها خانسوار بیگرا و سرگردان و گرسنه و میلیون ها بیمار بی دار و در میان و رودر روی دنیا بی آشفته و فروخته از این سوچ ردالت و آدم کشی و آدم زدنی بی هیچ پروا ادعا میکند:

"ملت ما امروز الگوئی شده است از برای همه ی کشورها".

وقتی در کنگره را بین ردیف بی انتها از گورستان و زندان و سیاهال و شکنجه گاه و فهرست هزارها اعدا می و دهها هزار زندانی و انبوه سلاخ خانه های که برنام "محکمه عدل اسلامی" طرف کمتر از یک ساعت گروه ها گروه آدمیزاد را به جوخه های مرگ حواله می دهند و با جرات تمام می گوید:

"در دنیا هیچ دیکراسی بهتر از این دیکراسی ما نیست، یک چنین چیزی تا حالا دیده نشده است".

وقتی زیر نگاه و بیفتن ایوب نام شریعت و قرآن و سیره نبوی، بر عفت دختران معصوم، در آستانه ای اعدام تجاوز می کنند (تا در برابر میزبان عدل الهی به با گره زدن رفتن، آلوده نباشد).

وقتی او با ش حزب الله و انصار و روسا و روسای و بیسی و خود فروختگان ثار الله در کوچه و بازار و حتی کنج خانه ها نیزمان از زنا ن بریده اند، به ریشان تیغ میکشند، اسیدی با شند و در "اردوگاه های نهی ز منکر"، به انواع خفت و بی عفتی آزارشان می دهند و حرامی پیروز در غایت بی حیائی مدعی میشوند:

"امروز با نوان ما بطوری غرق در نعمت خدا هستند که حدی ندا رد خودتان هم شایدا از این نعمت های بزرگ الهی غافل باشند".

خلاصه وقتی لافزنی به این اوج رسا و مرزها می رسد، طبیعی ست که قیاس حش در زمینه های سبکتر، کم رنگتر و سست تر میشود.

به مقایسه که جای خود دارد، به جرات در گزاره گوئی میدان میدهد. فهم منطق این ادعا دشوار نیست، ببینید. که در همین یکی دو ماه گذشته، چطور بی مقدمه ولی هما هنگ، سیل رساله نویسی و محقق تا ریخوسیا ست شناس و سیا ست - پردا زو "عقد گشا" به سوی با زار قلمزنی و خطا به و روشنگری و مصلحت اندیشی جاری شده است که در این هشت نه سال رفتن از قریب به اتفاق آنها نشانی نبود، البته این جماعت اگر نه به تمام می، اکثرشان ان گمنام موبی نامی نیستند و لسی از مدت، خواه نا خواه ذهن

هیاهوی عقده گشایی

نیروهای ملی " و جلوگیری از تعارضات " سلیقه ها و عا طفه ها " ، هم در حسنات " مشروطه " بعنوان نوشداروی ایران محترم مدیحه با ز دورسا له بنویسد و هم در فتنای " بیست گمنده " مرثیه بخواند؟

حالا اگر در آن با غیبت تا بعیت ایرانی تورا نه به شناسنا هات - نه به سلسله ای آباء و اجدادت - نه به یادگارهای تاریخی ات - نه به زبان تکلمت - نه به دلبستگی به کوچه پس کوچه ها و درویدوار شهر و ولایتت - نه به خاطرهای با زی با بچه محلها و هم کلاسی هایت - نه به نام و نشان و پیوندهایت - نه به خویشی با

انسان را به سوی این خیال می کشد که با بدست تظاول روزگار ز پای افتاده و با به حکم عافیت طلبی و مصلحت، غیبت را بر حضور ترجیح داده اند. حالا چه اتفاقی رخ میدهد که چنین ناگهانی گره زبانیها گشوده و بساط تظهور و برائت گسترده میشود؟

سوالی است که به تاءمل نیاز دارد و به هر حال اگر دلیل این عجله و شتاب، از جانب "موقع شناسی" نا روشن است، به لحاظ ما به دست، پوشیده نیست که گفتیم خمینی با شکستن مقیاسات حیا را به بروی هر ادعائی حتی در حدانکار آفتاب در روز



از مرالد تریبیون

سعدی و حافظ و فردوسی و خیامت، بلکه فقط به غیبت حزب قرا گیر بستند، این مصلحتی بود که در فهم توی کوربا طنم نمی گنجید و همین کوربا طنی بود که تورا به ناسیاسی کشید و همین ناسیاسی بود که شور تورا قا پید و هرگز در شیا فتنسی "حزب قرا گیر و روزنگاه دیکراسی و کلیت در همان مشروطه ای است که از معنای آن فقط چند صد و سیایه میبم و رنگ بریده به چشم و گوش تورا رسیده است: (عالمه مطبوعات... آزاد و ممیزی در آنها ممنوع است) - انجمن ها و اجتماعات... در تمام مملکت آزاد است.

مشروطه را آن "کارگران شریف و وطن پرستی" هم کردند که بیسک روز تعطیل، در حین انجام وظیفه سازندگی ناگهان به الهام قلب غیب شناس، خبر شدند که در نزدیکی های تهران، در جایی به نام کاروانسرا سنگ، گروهی "وطن فروش" به "بها نهی مشروطه خواهی" اجتماع کرده اند و دیدیم که چطور، بی هیچ قرا و مواضعی قبلی از جسد جهیدند و خود را به خائنین رسانند و چنان با کار و دوچماق و زنجیر در ماراز روزگارشان در آوردند که تا هفته ها و ماها ازجا نجیدند و فضولی نکنند، و اما تشبیه

روشن، هموار کرده است، وقتی جرات یا و هگوشی بدرجای میرسد که ولایت فقیه را به الگوی شوق انگیز کافر و مسلمان مبدل میکند و بر آدم کشی و آدم دزدی انگ عبادت می گوید، چطور نمی توانیم خیرچینی برای یک جاسوس خارجی را تدبیر "وطنخواهانهای تعبیر کنیم که سقوط "وطن عزیز" را میان زمین و هوا مانع شده است؟

چه جای خرده گیری و "منفی بانی" که کودتا می را که حتی طراحان و سرمایه گذاران آن نیز در "کودتسا بودنش" تردید نکرده اند، "کودتسا" و رحمت نازلی بشماریم که ایران را از یک قدمی دام بلشویسم واپس کشیده است؟

چه گیری پیدا خواهد شد اگر گوئیم: این پادشاه فقید ما نبود که اول بار "مدای انقلاب ملت را شنید" و اول با رکلمه ای "انقلاب" را به زبان ها انداخت و بر "دفع فساد" و احیاء مشروطه متعهد شد، بلکه این بلواگران حرامی بودند که در آن روزهای طوفانی صدای پادشاه را تقلید کردند؟

چه محملی برای نقد و ایراد اگر کسی در آن واحد و به بها نهی "حفظ و وحدت

آن "کارگران غیور" که برای سرکوب آن "فتنه عظیم" قیام کرده اند - حزب انلسی که روزگار ملت را تبا ه کرده است، عین بی انصافی است. چرا که آنها فقط به "گروهی"، آن هم برای مراقبت از شما مشروطه تا ختنند و حزب الله برای حفظ حکومت مشتی ردا پوش چرکین دمام به مردم بی بنا می تا زد و مرز توقی هم نمی شناسد. این با آن آزمون تا آسمان فاصله دارد.

مولانا عبیدی فرماید: بزرگ زاده ای خرقه به درویشی داده، عنان خبر این واقع به سمع پدرش رسا نیدند، با پسر در این باب عتاب می کرد، پسر گفت: در کتانی خواندم که هر که بزرگی خواهد با بیدر چه ردا ینا رکنند، من بدان هوس این خرقه را ایضا ر کردم، پدر گفت: ای ابله غلط در لفظ ایضا ر کرده ای که به تصحیف (خطا در خواندن و نوشتن الفاظ) خوانده ای، بزرگان گفته اند که هر که بزرگی خواهد با بیدر چه ردا ینا رکنند، تا بدان عزیز باشد.

ظاهرا "آنچه را که ما تا کنون در باره مشروطه و مشروطه گری خوانده و از قانن اساسی آن استنباط کرده ایم، همه به "تصحیف" بوده است، از این پس باید مشروطه را در مکتب حضرات سیمای موزیم تا مرکز ذهنمان شود که به مشروطه دست نخواهیم یافت مگر آن روز که "بیست گمنده" را با ز جوئیم، اگر خط خود را می یافتیم تا کنسون بذیرفته بودیم که "قوای مملکت" را به تصحیف "ناسی از ملت" نوشته اند، صحیح آن "ناسی از قدرت" است و آن گاه ایمان میا وردیم که در فهم "تبری پادشاه از مسئولیت" و "مسئولیت وزرای دولت در برابر مجلسین" به همان ما جرای "ایثار و انبار" گرفتار بوده ایم و معنای واقعی آن اصول این است که "پادشاه وزرا خود را خود دستچین می کند" و

خود به عزلشان فرمان می دهد و در صورت لزوم بقاء دیب بفرقشسان میگوید، با این وصف بجان می بذیرفتیم، اینکه نوشته اند "هیچکس را نمی توان از محکمه ای که با پادرباره ای او حکم کنند منصرف کرده و مجبوراً" به محکمه دیگری رجوع دهند" و یا اینکه "منزل و خانه های هرکس در حفظ و امان است، در هیچ مسکنی تهر" نمی توان داخل شد مگر به حکم و ترتیبی که قانون مقرر نموده است" فقط یک صورت "تصحیف شده" قانون است و صورت صحیح آن این است که "خانه های هرکس منزلگاه آریا ب قدرت است" و لیس الوزرا وقت باشد پس اگر آن رئیس الوزرا می که ادعا کرده بود "عزل من به ترتیبات و تشریفات نیاز دارد" و "وانگهی از کجا بدانم این شوکسه بندی که نیمه شب بخانه ای من آمده و حکم عزل آورده است یک ما مور اصلی یسا بدلی است؟" به چنان روزی افتاد که به زنجیرش کشیدند، خانه اش را به غارت بردند و حتی پس از گذشت سه سال محکومیت حکیم فرموده از خروج از خانه و دیدار دوستان محروم کردند، خلاف عدالتی

آن غده بد خیم در کجاست

بقیه از صفحه ۱

آیا هم اکنون صدور قطعنامه‌های در مجازات رژیم تهران، آب به آسباب "تندروها" نخواهد ریخت و وزن سبک طوفان را ملج را سبک تر نخواهد ساخت؟

به هر حال رژیم تهران فرجه‌های تازه‌ای بدست آورده است، پنج عضو دائمی شورای امنیت در آخرین دیدار در پشت درهای بسته نخواهند استند و نتوانند سرب سر قطعنامه‌های تازه‌ای در مجازات رژیم تهران به توافق دست یابند. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا اعلام کرده که دادن مهلت تازه به جمهوری اسلامی بدان معنی نیست که مجازات منتفی شده است. شوارتس دزه وزیر خارجه شوروی گفت که قطعنامه ۵۹۸ (آتش بس، برگشت به مرزهای بین المللی، مبادله اسیران...) باید به اجرا درآید.

جمهوری اسلامی شایدا این راه به عنوان پیروزی دیپلماتیک برای خود تلقی کند، اما علی‌خامنه‌ای هنگامی که روایت نیویورک می‌شود و عده‌های بزرگ تر از این به خود می‌داد، هیچ پیش بینی نمی‌کردند که خبرخواهد شد سخنرانی شورا تکیزی را که برای جلب همدلی بین المللی با رژیم تهران فراهم آورده بود، در آخرین لحظه‌ها تغییر دهد. غرق ناوچه‌های از سپاه پاسداران به وسیله نیروی دریایی آمریکا در آبهای خلیج فارس سبب گردید که وی سخنرانی را که در ظرف چندین روز تهیه کرده بود، به کناری نهاد و سخنرانی ای بکنند که در عرض چند ساعت سرهم بندی شده بود.

خامنه‌ای هم در نیویورک موافقت بشروط خود را با این قطعنامه در گفت و گویی با دبیرکل سازمان ملل اعلام داشت. اما این شرط، شنیدنی است: می‌گوید پیش از هر آتش بس با دیدیک کمیسیون بی طرف متجا وزرا تعیین کند. جمهوری اسلامی فقط هنگامی بی طرفی این کمیسیون را خواهد پذیرفت که عراق را متجا و زبنداند.

بقیه از صفحه ۱

اسلامی در لندن، تصمیمی درخور ستایش بود، اما پنهان نکنیم که این تصمیم بسیار دیرا نخا داشت...

نهفت مقامات ملی ایران، در تاساریخ دوازدهم سپتامبر ۱۹۸۵، دوسال پیش، از معاملات قاچاق اسلحه که در این مرکز اسراراً می‌گذرد با بتخت انگلستان انجام می‌شد با انتشار اسنادی در هفته نامه نهفت که از درون این مرکز، به دست آورده بود، بهره برداشت و نسخ متعددی از این اسناد را در اختیار رسانه‌های گروهی بین المللی قرار داد.

بررسی دقیق اسناد بدست آمده از دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که چگونه رژیم تهران برای خرید جنگ افزار قاچاق به چند برابر قیمت معمولاً نا مرغوب و غالب مسروقه دست به دامان

این دفتر تدارک تسلیحاتی جمهوری اسلامی را در لندن بست و به کارکنان ایرانی آن دستور داد که انگلستان را ترک گویند.

سر جفری ها و وزیر خارجه انگلیس، در سازمان ملل متحد موضعی درست در کنار ایالات متحد گرفته، خواستار آن شد که شورای امنیت قطعنامه‌ای در مجازات رژیم تهران صادر کند، پیش از آن ما رگارت ناچر نخست وزیر انگلیس در مصاحبه‌ای با هفته نامه "آلمانی" "اشیگل" گفته بود که نمی‌توان به هر خودکامی اجازت داد در خلیج فارس هر چه خود هوس کرد و صلاح دید بکند.

بگومگوها و کشمکش‌ها در سازمان ملل متحد نباید نگاهها را از واقعیتی مهم منحرف گرداند، و آن اینکه تعطیل دفتر تدارک تسلیحاتی رژیم تهران در لندن، عملاً از بسیاری قطعنامه‌های سازمان ملل متحد میسر است. زیرا جمهوری اسلامی را، سوای کمیود فروش نفت که با افسر گرفته شدن جنگ نفتکش‌ها دوباره نمایان شده است، با این مشکل تا زهر و بیرو خواهد ساخت که با ارتزک‌هاش یا فته هنوز دشوارتر از پیش سلاحهای مورد نیاز خود را بسراید. اما جنگ بدست آورد.

بدون معنای، خامنه‌ای زجنه روانشناسی امر، نیست که اشاره کنیم فاصله گرفتن لندن از رژیم تهران سبب خواهد گردید که برخی کسان در ایران، چه در هیئت حاکم آخوندی و چه بیرون آن، زاویسه دید خود را نسبت به مسائل چند درجه‌ای تغییر دهند.

یک خط موازی گذرا بین سیاست رژیم اسلامی و سیاست شوروی در خلیج فارس (تخلیه آنجا زهمه کشتی‌های جنگی) نباید در ذهن و بهایش بیش از آن که دارد پیدا کند. درست است که شوروی شادمان خواهد شد از این که با نخلین آخوند پنا بردم "شیطان بزرگ" بگذارد. ولی این نباید ما را از زتنش‌های مهمی که در متابلیات دودولت وجود دارد غافل گرداند. جماران هرگز در چشم کرملین به عنوان طرفی در خورا عتقاد دلسوسه نخواهد کرد. از این که بگذریم شوروی به هیچوجه نمی‌تواند سیاست نزدیکی با اعراب را قربانی هوساکی‌های

خامنه‌ای همان کند. نیز هیچ چیز برای شوروی نادلخواه ترا زیروزی رژیم تهران در جنگ نیست. وانگهی با کاهش تسلیحات هسته‌ای در اروپای غربی و مرکزی، شوروی با آمریکا دای بزرگ تر از آن در میان دارد که در این بازی حتی نیمنگاهی به تهران بیندازد.

در کانون دیگری از تحولات، مفسوف اعراب را می‌بینیم که هر چند هستند، اما پیوسته، به سمت نزدیک تر شدن در حرکت است. اگر اعراب کمتر برین تردیدی در مقام مدجها نگشا یا نه آیت الله داشتند، یا دستخوش این توهم بودند که می‌شود یا مماشات، از ارتغاس بلند پروازیهای انقلابی اوکاسست، اکنون با دیدن واقع بین تری به جماران وجهت گیریهای آن می‌نگرند. چرم متراکم کشورهای عربی به هر حال این قدر نیروی جا ذبه پیدا کرده است که لیبی را از اردوگاه تهران به سوی خود بکشاند. سوریه برای بسمودن راهی که لیبی رفته است، اصولی را به عنوان مانع در پیش پانمی بیند و تکلیف را فقط هنگامی یکسره خواهد کرد که بداند دیگر نمی‌تواند بزرگ تهران را بازی کند.

قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت سازمان ملل که به اتفاق آرا به تصویب رسید، به صورت نقطه‌ای در آمده است که در آن تقریباً "تمامی کشورهای جهان به یکدیگر می‌رسند. فقط یک دولتست - جمهوری اسلامی - به آن نپیوسته است. امیدش - با آرزویش - این است که آن نقطه بیوند بین المللی را بهم بریزد، آن هم در حالی که زمان با او نیست.

جمهوری اسلامی بدین ترتیب در حالت تعلیقی است که نمی‌تواند تیری بپاید. با بیدبه قطعنامه بیبوند و آتش بس و مذاکره و صلح را بپذیرد، یا بیش از پیش در گرداب انزوای کامل فرورود و در نتیجه دیگر نتواند جنگ را ادامه دهد. در این هر دو حال بود و نبود رژیم اسلامی در میان است. غده بد خیمی که موجودیت رژیم را تهدید می‌کند، در اینجا است. در مغز آیت الله می‌خواهد باشد می‌خواهد دنیا شد.

تصمیمی که بسیار دیرا نخا شد

قراردادهای شوندا بین دفتر نمی‌توانند نظارتی از نظر کیفیت و کمیت قطعنامه داشته باشد.

دربی انتخار این اسناد، نهفت مقامات ملی ایران به ویژه به اتمام شش ماهه نهفت در انگلستان کوشید توجه مقامها و رسانه‌های انگلیسی را به معاملات قاچاق هنگفتی که در این دفتر غیر رسمی در قلب لندن انجام می‌شود، جلب کند و بر این نکته پیاپی تأکید کرد که با فعالیست گسترده، اما مخفیانه این مرکز، لندن به صورت کانون دادوستدهای جنگ افزار قاچاق و میداد حمل و نقل آن‌ها به تهران در آمده است.

سوداگران با زارجهانی اسلحه می‌شود. دریکی از این سندها سرهنگ راسخ احمدی، به تاریخ ۱۳۶۳/۷/۲۶ به رژیم تهران گزارش می‌دهد: "در کمیسیون کاهرتا ریخ ۱۳۶۳/۷/۲۴ با حضور نمایندگان شرکت "آ.ام.اس." و نماینده شرکت حمل و نقل "آلیورت" در محل دفتر خرید اسلحه در لندن تشکیل گردیدند نمایندگان شرکت "آ.ام.اس." اعلام کردند که سرگرم تهیه مقدمات تحویل اقلام تسلیحاتی از طریق دفتر خرید اسلحه به وزارت دفاع جمهوری اسلامی هستند... ولی به دلیل این که اقلام از طرف شرکت فروشنده و میادای مربوطه در صندوق‌ها

نهفت مقامات ملی ایران، شش ماهه انگلستان، برای شرماس‌هایی که با نمایندگان مجلس عوام و مجلس لاسردان گرفت موفق شد بحث در باره فعالیت‌های دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی را به درون مجلس لردا بکشد.

در جلسه روز هفدهم مارس ۱۹۸۶ چهار رتن از اعضای مجلس لردا، دولت انگلستان را در باره صدور اسلحه قاچاق آمریکا از طریق لندن به تهران مورد سؤال قرار دادند. در این بحث پارلمانی، نمایندگان شرکت ملی نفت ایران در لندن که دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی، در طبقه چهارم ساختمان آن متمرکز است، به مشاورت در صدور اسلحه قاچاق به ایران متهم شدند. در میان، لاسرد "یانگ اوگرافام"، وزیر کار، خطاب

سید علی آقا در نیویورک

بقیه از صفحه ۱

ببین شفا و تیره از کجاست تا به کجا؟
 برجای جنگ و نای و نای، آواز غمناک است و زغن
 است برجای قمر، زهر است برجای شکر
 سنگ است برجای گریه، راست برجای سمن

روزی که دکتر مصدق از زیله‌های عسارت
 سا زمان ملل متحد با لایحه رفت، چنانی
 چشم به نیویورک دوخته بود تا ببیند سیر
 مرد در آنجا چه خواهد کرد و چه خواهد گفت.
 امروز، با لاف رفتن حجت الاسلام‌ها منتهای را
 از زیله‌های عسارت سا زمان ملل، سردم
 دنیا فقط به چشم یک مضحکه سیاسی نگاه
 می‌کنند. چیزی در حد یک سرگرمی و تفریح،
 زیرا اولین ما راست که یک آخوند برای
 اسرا دنطق سا زمان ملل متحد می‌رود.
 دکتر مصدق را در سفر نیویورک گروهی از
 استادان حقوق و رجال سیاسی کشور
 همراهی می‌کردند و لایحه دفاعیه دولت
 ایران را که به زبان انگلیسی تهیه
 شده بود مرحوم اللطیفی راجع قرائت
 کرد. همراهان حجت الاسلام‌ها منتهای در
 سفر نیویورک عبا رفتند و جمعی روضه
 خوان و رمال و دعا نویس و مکره گیر.
 روزی که دکتر مصدق به شورای امنیت
 می‌رفت، ایرانیان از فرط غرور سرشان
 به آسمان می‌رسید و به عالمی فخر
 می‌فروختند که چنان مردی از ایران
 برخاست و برای دفاع از حقوق ملت
 ایران، در حال کسالت و شفا هت، رنج
 سفر به آن طرف دنیا را بر خود هموار ساخته
 است. امروز، این هم غمی شازه و
 نرمساری دیگری برای ایرانیان است
 که با بدشخصی چون سید علی خامنه‌ای بد
 نام رئیس جمهوری و سخنگوی ملت ایران
 در یک مجمع بزرگ جهانی ظاهر شود.
 مرحوم دکتر قاسمی غنی که در میز ما سال
 ۱۳۳۵، هنگامی که دکتر مصدق به سا زمان
 ملل رفت، در نیویورک اقامت داشت و
 سخنان هدایت‌نا حاد و تاریخی بوده است
 در خاتمه می‌نوید:

"به بعد از ظهر در کولت کلوب کلمبیا
 اویورسیته دکتر مصدق آمد، آقای
 عبدالصمیم خان دهقان سابق ذیل را در
 غیر مقدم گفتند:

خانمها و آقایان هموطنان عزیز محترم،
 ششم با دنیا دویم آگهی آورد
 که روز محنت و غم روبه کوتاهی آورد
 سا نهایت افتخار مقدم مبارک لایقترین
 و نداد کارتری فرزند ایران، دکتر مصدق
 نخست وزیر محبوبمان را که از سیمای
 نورانی انسانوار وطن پرستی با طبع و
 هویداست و با حالت سماعی و ضعف مزاج
 مناصرت طولانی را برای دفاع از حقوق
 ملت ایران قبول فرموده و به همه مانوید
 موفقیت و پیروزی می‌دهد، از طرف عموم
 هموطنان عزیز خالما نه خیر مقدم عرض
 می‌کنم. همه یقین داریم که آتش و طمس
 دوستی و حق پرستی که در سینه ایرانیان
 سله و راست هر متکلی را در باطن راه
 حواهد سوخت و ملت ایران به حق مسلم خود

به کارگردانی اسرائیل

بقیه از صفحه ۱

خواهد رسید.
 صبح امید که به دستک برده، غیب
 گوسرور آبی که کارش با آفرید...

بهد، دکتر مصدق صاحب مدخل سیاسی عالی
 کرد و به همه ابراهیم کرد. آتش شور و
 سوی در چشم همه می‌درخسید، هر کسی خواست
 دست او را ببوسد یا ن روی او را ببوسد،
 هر کس کارت و عکس امضا نده خواست
 نوری نوبت برای همه تعطیم کرد و همه
 را سوا زس کرد. بالاخره رفیق برای حرف
 های قدری ما بدو معذرت...

شور و هیجان و استقبال ایرانیان از
 حجت الاسلام خامنه‌ای راهم دیدیم و
 شنیدیم که از چه قرار بود.
 کسی که بعنوان نماینده و سخنگوی ملتی
 به یک مجمع جهانی می‌رود قبل از هر چیز
 باید اعتبار نام و موق از طرف آن ملت
 داشته باشد. وقتی ایرانیان اعم از دست
 جیبی و دست راستی و سلطنت طلب با
 جمهوری خواه، در مقابل عمارت سازمان ملل
 جمع می‌شوند تا سخن خود را از کسی که
 ظاهرا ۳۰ ساله است به نمایندگی از ملت
 ایران سخن بگوید اعلام دارند، یکی برای
 چنین آدمی تره خرد می‌کنند و به حرفش
 اهمیت می‌دهد؟

شرکت روی سالی دول در جلسات شورای
 امنیت یا مجمع عمومی سا زمان ملل به
 شرطی ضرورت پیدا می‌کند و منشاء اشهر
 واقع می‌شود که با شخصیت فردی آنها
 اذهان و افکار جهانیان را جذب کند یا
 حرفی که می‌خواهند بزنند و بیایا می‌که بسا
 خود دارند.

حجت الاسلام‌ها منتهای کدام یک از این دو
 شرط را حاضر نمود که رفتنش به نیویورک و
 سخن گفتن در مجمع عمومی سا زمان ملل
 ضرورت پیدا کرد؟

شخصیت والای جهانی حجت الاسلام برای
 اهل عالم جا زده داشت یا روضه خوانی او؟
 چه چیزی این آقای حجت الاسلام برای
 گفتن داشت که همان رجائی خراسانیها
 حداکثر، علی اکبر ولایتی نمیتوانستند
 بگویند؟

یک با آیت الله خمینی محمد علی رجائی
 را به مجمع عمومی سا زمان ملل فرستاد
 تا پای خود را برهنه کند و روی میسز
 بگذارد. این با هم لازم دانست سید
 علی خامنه‌ای را بفرستند در مجمع
 عمومی روضه بخواند.

آن مرتبه، آقای رجائی از حبس و شکنجه
 زمان شاه سخن می‌گفت در حالی که
 دست‌های خودش تا مرفق به خون سردم
 آغشته بود و همه میدادستند که رژیم
 آیت الله در شکنجه و بیداد دوسرکوب و
 اختناق و کشتار گروهی، دست تمام رژیم‌ها
 سرکوبگر و شکنجه‌گر را از پشت بسته است.
 این مرتبه نیز آقای خامنه‌ای روضه
 مطلوبیت خوانند در حالی که همه میدانستند
 آتش فتنه و قسا در جنگ سوویرا نگری از گور
 خمینی و خامنه‌ای و دیگر همدستان آنها
 زیبا نه می‌کشد!

عربی است و سطح سیاسی آن بسیار
 گسترده تر - دست کم ما دام که مصر قرارداد
 صلح جداگانه با اسرائیل امضا نکرده
 بود چنین بود، نیز این نزاع تاکنون
 به وسیله، چنان جنگ خونین مشخص شده
 است: ۱۹۴۸، ۱۹۵۶، ۱۹۶۷ و ۱۹۷۳. نه تنها
 هنوز هیچ توافق میانی اسرائیل و
 جهان عرب که تضمین کننده، همزیستی
 در ازمدت آن با شدیدت نیامده،
 بلکه مسأله، فلسطین نیز که در واقع
 علت اولیه، درگیری اسرائیل و جهان
 عرب بوده است، همچنان به قوت خود
 باقی است.

برای اسرائیل بسیار مهم بود که بتواند
 با مصر به قرارد جداگانه، صلح دست
 یا بدو بدین ترتیب توان یک جنگ
 تازه علیه خود را از اعراب طلب کند،
 لیکن این به هیچ وجه به معنی طلحی
 پایدار با اعراب نیست. خاک‌های
 عربی در اشغال اسرائیل است و تاکنون
 پیروزی‌های نظامی که اسرائیل
 بدست آورده، به نفع اینجاست می‌دهد است که
 اعراب به قرارد صلحی که این اشغال را
 بپذیرد تن در دهند.

دولت‌های یگوناگون اسرائیل البته
 تلاش بسیار کردند تا پس از مصر، اردن و
 لبنان را به پای میز مذاکره صلح بکشاند،
 ولی موفق نشدند. مرزهای جنوبی
 اسرائیل هنوز مرزهای ایمنی نیست و به
 دلیل آن که اسرائیل دارای یک "عمق
 استراتژیک" نیست، مرزهای ایمن برای
 آن بیشتر جنبه، سیاسی پیدا می‌کند. اگر
 اسرائیل حاضر می‌شد در برابر شانسایی
 سیاسی از سوی اعراب، خاک آن‌ها را به
 آن‌ها واگذارد، مسائل در مسیر حل شدن
 قرار می‌گرفت، ولی هم خاک و هم شناسایی
 چیزی نیست که اعراب بتوانند زیر بار
 آن بروند. با این همه این سبب نشده
 است که اسرائیل، با دست کم گرایش
 نیرومند سیاسی در آن، از تلاش در ایمن
 راه دست بردارد.

همان قدر که در سیاست، زمان بسیاری
 مسائل را حل می‌کند، اسرائیل امیدوار
 است که گذشت زمان اشغال خاک عربی
 را به صورت داده‌ای تاریخی در آورد
 و قضا یا از حالت کشمکش سیاسی روز بدر
 آید.

جنگ جمهوری اسلامی با عراق ظاهرا
 این فرصت را برای اسرائیل فراهم
 آورده است. کیسینجر گفته بود حیثیت
 که این جنگ نمی‌تواند دوباره زنده
 داشته باشد. همدینان او در ارض موعود
 دچار این آرزو - اندیشی

(WISTFUL THINKING)

نشده اند، می‌گویند جنگ هر چه بیشتر
 ادامه یابد بهتر، در نتیجه از هیچ
 وسیله‌ای برای ادا مسأله جنگ یا دستکم
 جلوگیری از صلح فروگذار نمی‌کنند.
 هیچ ضرورتی وجود ندارد تا آنجا پیش
 برویم که رژیم آیت الله خمینی را یک

رژیم صهیونیست بنا می‌مید، ولی پریش
 این است: اگر رژیم آیت الله خمینی
 بر استی صهیونیست بود، در جنگ سیاسی
 جزا بین در پیش می‌گرفت که امروز در پیش
 گرفته است؟

پیروزی نظامی آیت الله در جنگ غیر
 ممکن است، ولی ادا مسأله جنگ اگر نه بیست
 سال دست کم یکی دو سال دیگر برای آن
 ممکن است. مگر این که شورای امنیت
 سا زمان ملل متحد خواه پنج دولت عضو
 دائمی آن، چاره‌ای جدی برای پایان
 دادن به آن بیندیشند.

البته اسرائیل دلایل کافی در دست نشان
 دهد در برابر نگیختن خصومت‌های جنگی
 هیچ سهمی نداشته است. ولی سیاستمداران
 چون آریل شارون از روی بی‌خیالی
 نمی‌گویند که ادا مسأله جنگ را به خود
 اسرائیل می‌دانند. در این برداشت
 هنوز هیچ تغییر بنیادی مشاهده نمی-
 شود.

فقط در لغت نیست که می‌توان حمایت
 اسرائیل را ادا مسأله جنگ دید، پیوسته
 کردن ردا سلاح‌ها می‌که اسرائیل، چه خود
 و چه به واسطه، خود، به جمهوری اسلامی
 رسانده، اصلا دشواری‌های ندارد خاصه
 پس از روشن رسوائی "ایران گیت" که
 در آن دولت اسرائیل و ما، موران آن از
 با زیگران عمده بودند.

آشوب‌های آستین‌ها را با لازده بود...
 و خوراک چنان پخته شده بود که نمی-
 توانست اشتها ی حکومت ایالات متحده
 را تحریک نکند: آزادی گروگان‌های
 آمریکا می‌از ما رت حزب الله در
 لبنان، رساندن کمک به مخالفان
 حکومت نیکا را گوشه به رغم آن که کنگره
 آمریکا هنوز آن را تصویب نکرده بود،
 این‌ها همه در عوض سلاح‌های که جمهوری
 اسلامی برای ادا مسأله جنگ بدان نیاز
 دارد را زاینها گذشته، راهگشائی برای
 به اصطلاح "میان‌هروا می" که می‌توانند
 پس از مرگ خمینی حکومت را در ایران
 بدست گیرند و مانع از آن شوند که
 کابوس کمونیسم در ایران رویای
 ایالات متحده را برآورد.

فیلمنا مه، تنظیم شده در "استودیو
 اسرائیل"، بسیار ما هرا نه تهیه شده بود،
 اما فیلم‌ها ندا زه کافی با زیگرنداشت
 و اگر هم داشت، با زیگران دستورهای
 کارگردان را اجرا نمی‌کردند. چنین برده
 که سلحه، به میزانی که هنوز معلوم نیست،
 به دست پاسداران رژیم اسلامی رسید،
 پول آن هم، با زبه میزانی که هنوز
 معلوم نیست، به دست مخالفان حکومت
 نیکا را گوشه رسید، دو گروگان آمریکائی
 که البته ارزش معالمانتی چندانی
 ندا شدند، آزاد شدند، اما حکومت آمریکا
 برای آن که آدم‌های میان‌هروا می در رژیم
 تهران پیدا کند، هر چه بیشتر جست‌وجو

ایران و خاورمیانه



در مطبوعات بین‌المللی

سیلی خانم تا چر به گونه خمینی

خانم تا چر، نخست وزیر بریتانیا نیز روز چهارشنبه ۲۳ سپتامبر دستور داد دفتر خریدهای اسلحه جمهوری اسلامی در لندن که یکی از مراکز اصلی تهیه اسلحه برای رژیم تهران بوده است، این تصمیم پاسخی به حمله روز ۲۱ سپتامبر جمهوری اسلامی به یک نفتکش انگلیسی در خلیج فارس بود.

روزنامه لوموند در این باره می‌نویسد: خانم تا چر به حمله روز ۲۱ سپتامبر پاسخ داد. پاساژان به یک نفتکش انگلیسی پاسخی محکم داد اما در جایی که کمتر از همه انتظار آن میرفت.

بسیاری از نمایندگان حزب محافظه کار انگلستان خانم تا چر را به تقویت حضور نیروی دریایی انگلیس در خلیج فارس تشویق می‌کردند اما وی ضربه را در جای دیگری وارد کرد. در خود لندون و دفتر خریدهای اسلحه جمهوری اسلامی را که سه طبقه زیک ساختمان نوساز در مرکز لندن را بخود اختصاص می‌داد تعطیل کرد.

آخوندزاده، کاردار جمهوری اسلامی در لندن اندکی پس از پایان سخنرانی "سرجفری ها" وزیر امور خارجه انگلیس در سال زمان ملل، به وزارت امور خارجه احضار شد و وی ابلاغ گردید که دفتر خریدهای اسلحه در اختیار وی ویکتوریا باید کاملاً به فعالیت خود خاتمه دهد و دستور دادی تن نظمی ایران شایان در این دفتر که به قیافه بازرگانان در آمده بودند تا ۸ اکتبر انگلستان را ترک گویند.

این دفتر به طور رسمی وجود خارجی نداشت و به طریقی نیمه مخفی کار میکرد. ساختمان مذکور به طور رسمی محل دفاتر شعبه شرکت ملی نفت ایران در لندن است.

ظاهراً حدود ۷۰ درصد خریدهای اسلحه جمهوری اسلامی در خارج از طریق این دفتر لندن انجام میگرفت. شبکه تلویزیونی مستقل انگلستان "آی. تی. وی" از مبلغی معادل ۵ میلیون پوند انگلیسی خرید اسلحه را بتدای جنگ تا بحال سخن میگوید.

این دفتر، مرکز خرید اسلحه در تسماسی اروپای غربی، آمریکا و ژاپن بود. مقامات انگلستان بنا به دلایل اقتصادی فعالیت‌های این دفتر را ناپدید میگردانند. (زیرا شرکت‌های انگلیسی نیز از این معاملات بی‌نصیب نبودند) و از سوی دیگر انگلستان بدین ترتیب میتواند فعالیت‌های را که از

نظارتا تژیکی و سیاسی تا بدین حد حساس بود برای سازمان تا توان نزدیک زیر نظر داشته باشد.

از چند سال پیش ماه موران سازمان ضد جاسوسی داخلی انگلستان "ام. آی. ۵" مراقب این ساختمان بودند. تمام مکالمات تلفنی تحت کنترل بود و خود ساختمان لایه پراز میکروفون، ادا می‌این وضع در حالی که انگلستان رسماً در تلاش برای پایان دادن به جنگ خونین جمهوری اسلامی و عراق است و کشتی‌های هدف حملات جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند، توجیه‌ها پذیر بود. بلائی که بر سر او در حال پلین دیبلومات انگلیسی در تهران آمد و مضر بود شدن و با زداشت موقت نیز در این میان بی‌تأثیر نبود.

حمله علیه نفتکش "جنتل بریز" به گفته "سرجفری ها" آخرین قطره‌ای بود که کاسه صبر را لبریز کرد.

سیاست رسمی لندن، مبنی بر این که وسایل آنها جمی و وسایلی که به تنی نظمی یکی از طرفین جنگ را تقویت کنند نباید در اختیار آنها قرار گیرد. اغلب اجرائی شد. بطور مثال در سال ۱۹۸۶ کارخانه "بریچ واتر" واقع در "مارست" که در آن زمان تحت کنترل دولت بود به یک شرکت دروغین یونانی مقادیر زیادی ماده منفجره پر قدرت به نام "تتریل" فروخت. اما ماده به جای یونان سرازا ایران در آمد، وسایل یدکی تانک‌های "چیفتن" و زره پوش‌های "اسکورپیون" تا همین اواخر مستقیماً به وسیله وزارت دفاع انگلیس به جمهوری اسلامی فروخته می‌شد به گفته مقامات بریتانیا نیازی فروش این تجهیزات در چرخه رچوب قراردادها شایع است. اما همیشه در زمان شاه بسته شده بود و بریتانیا تا چر بود به آن‌ها عمل کند.

این سوابق جای خوشبینی زیادی برای موفقیت تحریم کامل اسلحه علیه جمهوری اسلامی که روز چهارشنبه در سال زمان ملل از سوی "سرجفری ها" پیشنهاد گردید باقی نمی‌گذارد.

لوموند - جمعه ۲۵ سپتامبر ۱۹۸۷

زمان به سود خمینی

گردش نمی‌کند

تفاذه در جمهوری اسلامی از نو آشکار شده است. در ایران، مانند همیشه، مقتضیات استراتژی داخلی به همان اندازه وقایع خارجی از اهمیت برخوردارند. از نظر نظامی و دیپلماتیک اوضاع به نفع جمهوری اسلامی نیست: نیروهای جمهوری اسلامی درجا میزنند و از حمله سرنوشته‌ها زخمی نیست. وقایع خونین مکه همه مسلمانیان جهان را حیرت زده ساخت. در سال زمان ملل که شورای امنیت در آن باتفاق آرا خواستار آتش‌بس فوری شده است، دوستان جمهوری اسلامی انگشت‌شمارند. اوضاع داخلی رو به وخامت می‌رود. زندگی روزمره جز برای کسانی که از جنگ بهره‌مند می‌شوند غیرممکن شده است. یک شخصیت غربی که هیچگاه روابط خود را با ایران قطع نکرده است می‌گوید: رژیم در بین مردم تحقیق می‌کنند و از آن به لب رسیدن مردم آگاه است و در نتیجه، خطرات سیاست‌افران گرایبی را می‌داند. "اتفاقاً" هاشمی رفسنجانی اخیراً اظهار داشت: تلفات سنگین جنگ ممکن است مستضعفین را دلسرد کند. و یک کارشناس می‌گوید: ادامه جنگ به هر قیمت خطر سقوط جمهوری اسلامی را در پی دارد.

همه میدانند که جمهوری اسلامی بهائی‌گرا فایده جنگ تعیین کرده است. البته تهران دیگر از سقوط صدام حسین رئیس جمهوری عراق که نیروهایش را به تسخیر ایران فرستاد سخن نمی‌گوید. ولی خواستار رشتناخته شدن مسئولیت عراق در آغاز جنگ است. سرختمی خمینی با عداوت به جنگ شده است. علاوه بر قربانیان جنگ که شمار آنها به صدها هزار می‌رسد، جنگ به ویرانی دوشهر بزرگ ایران، آبادان و خرمشهر، منجر شده که ولی دومین پالایشگاه نفت جهان را داشت و دومی بزرگترین بندر ایران بود.

حجت‌الاسلام‌های جمهوری اسلامی نمی‌توانند هر چیزی را به خورد افکار عمومی بدهند. بخصوص به آنهایی که زدن نزدیک با جنگ ارتباط مستقیم داشته‌اند: مثل خانواده‌های شهدا، بسیجی‌ها و بالایی‌ها پاسداران. پاسداران با جنگ، بسری خود استقلالگی کسب کرده‌اند که مسوول نگرائی رهبران جمهوری اسلامی شده است. برخوردارهایی بین رفیق دوست، وزیر سپاه و رضائی فرمانده سپاه رخ داده است. در پاره‌ای شهرها پاسداران از کنترل مقامات دولت خارج شدند، اما به گفته یک کارشناس، پاسداران میدانند که ساعت‌افشانها سپری شده است.

روزی که مذاکرات صلح آغاز شود، پسین جناح جنگ طلب مقامات خواهد کرد، بسری خنثی کردن این مقامات رهبران جمهوری اسلامی با پیدان مسردم را راضی کنند و این تنها با تنبیه متجاوز ممکن به نظر می‌رسد.

با توجه به سخنان شدیدالحن خامنه‌ای و تهدیدهای وی از پشت تریبون سال زمان

ملل، این سناریو به نظر عجیب می‌رسد اما اعمال جمهوری اسلامی به ندرت با سخنان رهبران آن مطابقت دارد و ما برای مکن نشان آن بود، به گفته یک کارشناس دیگر زمان به نفع جمهوری اسلامی نیست. باید از این پس ناراضی عمومی و فلج ماندن تصمیم‌گیری رهبران را در نظر داشت.

نیگا رود - چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۸۷

انبار باروت

خلیج فارس اکنون یک انبار باروت است. حضور انواع کشتی‌های جنگی به مدت چند ماه در یک منطقه، این خطر را دارد که سر نشینان آن‌ها میل پیدا کنند آنچه را آموخته‌اند و بخواهند آن آموزش دیده‌ها به مرحله عمل در آورند. مثل انگشتی که مدت‌ها روی ماشه خواب برود برای رفع خواب رفتگی باید آن را حرکت داد.

بی‌انضباطی جمهوری اسلامی برای این استراتژی بحران‌ها من میزند. پاسداران انقلاب عادت کرده‌اند به جای اجرای دقیق دستورها آن‌ها را به میل خود تعبیر و تفسیر کنند.

تا بقی که به سوی نفتکش بریتانیا شای آتش‌گشود چه ماه موریته داشت؟ کشتی ایرانی که در کمتر از صد کیلومتر آبهای شمال بحرین در آبهای بین‌المللی مشغول مین گذاری بود چه ماه موریته داشت؟

در مقابل، هلیکوپتر آمریکا که به سوی کشتی جمهوری اسلامی آتش‌گشود از فرماندهی ناوگان آمریکا دستور داشت. حتی اگر این اقدام را اقدامی دفاعی و در نتیجه قابل توجه بدانیم در هر حال عملی بسیار خطرناک است. زیرا این نخستین باری است که آمریکا، غرب، با خطر بین‌المللی کردن جنگ جمهوری اسلامی و عراق، با جمهوری اسلامی مقابله می‌کنند.

در هر حال، به نظرمی رسد که هر دو طرف در حال سرعت گرفتن هستند. غربی‌ها به وسیله ریگان و ایرانی‌ها به وسیله پاسداران انقلاب که در حالی که دولتشان سوگند می‌دهند که دست‌نهادار صلح است و مشغول مین جمع کردن، در آبهای خلیج فارس به مین گذاری و حمله می‌پردازند: کدام یک را باید بیشتر محکوم کرد: بی‌مسئولیت متعمبان جمهوری اسلامی یا اخوانت آمریکا را؟

منافع این اقدام از نظر داخلی برای ریگان قابل فهم است. از یک سو در حال که با شوروی به مذاکرات صلح صلاح پیدا خسته است و نشان می‌دهد که در مقابل حسن نیت، حسن نیت به خرج می‌دهد بدی را با بدی پاسخ می‌گوید و بدان را تنبیه می‌کند.

این "صلح آمریکا" فرمانده، بریتانیا، هلند و بلژیک، ایالات و تمام کسانی که برای حفاظت از کشتی‌های بازرگانی خود به خلیج فارس رفته‌اند در محظور قرار می‌دهد. خشم آیت‌الله در نهایت است و سپاه پاسداران با چند شهید دیگر برای عملیات انتحاری آماده.

لومتن - چهارشنبه ۲۳ سپتامبر ۱۹۸۷



فرهنگ ایرانی

محمد جعفر محبوب

لیلی و مجنون نظامی، گنجینه حکایت‌های اجتماعی و اخلاقی

لیلی و مجنون سومین کتاب از منظومه‌های پنج‌گانه نظامی است. وی پیش از نظم‌کردن آن، به تشریح تا ریخی، نخست مخزن الاسرار سپس خسرو شیرین را سروده است. موضوع مخزن الاسرار مسائل عرفانی و اخلاقی است. آن گونه که در حدیقه سناشی و مثنوی‌های عطار آمده است و به حقیقت دومین داستان عاشقانه‌ای است که نظامی به نظم آورده و همین لیلی و مجنون است.

لیلی و مجنون از نظر کونا هی وقتی که صرف سرودن آن شده است به گلستان شیخ اجل سعدی مانده است. تنبیه علت کونا هی داستان، شاعر مظلوم فریاد و ناله در آن گنجا نیده که هر یک در جای خود اهمیت بسیار دارد و از آن‌ها به اختصار با خواهم کرد. یکی از این مظاهر مظلومانه، همین اظهار نظر شاعر در ارزش هنری داستان، و شرح مقدمات و توضیحات است که طبع را برمی‌انگیزد و شعرا را تا هر طراوت و زیبایی می‌آورد. نظامی در این باب به تفصیل سخن گفته و مظلوم را درازنابایی هنری این منظومه، بلکه نقد و تحلیل و ارزشیابی بسیار از آن تا در دلی بیاری می‌کند، اما پیش از وارد شدن در اصل و فرع داستان، چند کلمه در باب سبب نام‌گذاری آن بگوییم:

در باب نام‌نویسی قهرمان این داستان - مجنون بنی و وحی در وجود واقعی تا ریخی داستانی نماند. این سخن‌ها گفته شده است. بعضی او را قیس و بعضی تمهیدی می‌نامند. اما اکثر را ویا ن او را به نام قیس می‌نامند. اما روایت‌های بسیار وجود دارد که از آنکه "سا سا" چنین شخصی وجود خارجی نداشته و این محدثان این افسانه را وضع کرده‌اند. برای دیدن این گونه روایت‌ها و شعرهایی که در این زمینه سروده شده است می‌توان به جلد دوم کتاب معروف آغا نی ابوالفرج مظهری که خوش‌بختانه ترجمه فارسی آن نیز انتشار یافته است رجوع کرد.

چرا که دیب و نویسنده معروف عرب گوید هیچ شعری نیست که در ستایش معشوقی لیلی نام داشته‌گوینده آن معلوم نیاید، مگر آن که مردم آن را به مجنون نسبت داده‌اند.

اما سرگذشت لیلی نیز کمتر از داستان عاشق مجنون با افسانه آمیخته نیست. گفته‌اند که وی دختر مهدی بن سعد و کنیز او نام لکه، و با مجنون از یک قبیله‌اند. به موجب روایتی که در این منظومه آمده است، که هر دو در کودکی در بیابان کوفه شده‌اند، چرا نیندند و پس از آشنایی و انس گرفتن با یکدیگر عشق در نهادشان افتاد. دو کاروان به سوی اقصای کشفه در استان دلدادگی شان بر سر زبان‌ها افتاد.

داستان لیلی را سلام، ظاهراً "به استان دروایا" که در آغانی آمده است، ابتدا ی کا ر مجنون و لیلی را ظهور دیگر بنی نامی کند: "اگر جزئیات دلکش و جالب توجه این داستان را حذف کنیم، قصه عشق مجنون به لیلی بسیار رسیده است. قیس، لیلی را در یکی از مجامع زنان قبیله می‌بیند و با نخستین نگاه عشق وی را در دل می‌گیرد و شتر خویش را برای مهمان کردن وی می‌کشد، رفته رفته کار عشق آن دو بلال می‌گیرد، اما پدر لیلی، قیس را به دامادی خود نمی‌پذیرد و پس از مدتی کوتاهی لیلی با مردی به نام موریس محمد زنا شوئی می‌کند. قیس که از درد عشق دیوانه شده بود، باقی عمر را در تنهایی بیسر می‌برد و برهنه و عریا ن بر روی تپه‌ها می‌خوابد و سرگردان می‌شود و در باب داستان عبا نگیز دلدادگی خود شعری سرآید و تا روز مرگ - جزیکی دوباره لیلی را نمی‌بیند.

روایت دیگری نیز در باب آغا زکار عشق لیلی و مجنون وجود دارد و آن عاشق شدن آن دو به یکدیگر در مکتب است که ظاهراً جدیدتر به نظر می‌رسد و نظامی را میرخسرو دهلوی هر دو این روایت را برگزیده و در کتابهای خود به نظم آورده‌اند.

اصل داستان لیلی و مجنون بسیار کونا و وسوسه‌های از واقعیت جدا بواجب توجه است. خواننده هنگام مطالعه شرح زندگی مجنون بخوبی متوجه می‌شود که وقایع آن از نظر من داستان نویسی نظمی و نظم‌ترتیبی نگرفته و به یکدیگر پیوند نیافته است. گردآوری و رندگانی داستان زندگی مجنون اشعاری پراکنده منسوب به او در دست‌آینه‌ها را با ذکر "شاهان نزول" از لیلی یکدیگر آورده‌اند. کم‌کم این وقایع تا مریوط و قطعه‌های پراکنده در کنار هم می‌گیرند و داستان عشق شورا نگیز مجنون و لیلی را می‌سازد. به همین سبب وقایع داستان را به منطقی یا یکدیگر ندرند و مانند نواحی داستان‌های دیگر که چون حلقه‌های زنجیری یکسایز آید و هر حلقه به واقع به واقع گذشته ارتباط دارد و برخلاف آنچه گفته شده است.

گاه نظامی برای نمودن هنر خویش، خود نیز واقعاً تازه ساخته و به داستان افزوده است. مثلاً در روایت‌های مجنون هرگز سخن از جنگ نوفل با قبیله لیلی (که در واقع قبیله خودوست) نیست. فقط روایتی وجود دارد که نوفل برای کشودن گره زکار مجنون نزد کسان لیلی می‌رود، و آنان بدومی گویند: "امیر وقت خسرو مجنون را بر ما حلال کرده است چه مجنون با عبا ریختن آبروی لیلی شده‌اند ما و ما بر سر زبان‌ها انداخته است؟" نوفل پس از شنیدن این سخن نزد مجنون بازمی‌گردد و از زبان آن‌ها دان به کار روی نومید می‌شود. نظامی این واقع را با جنگی همراه ساخته است تا مجال برای

توصیف میدان جنگ و رزم آزمایی جنگ و ران دلیران به دست آورد و همواره "برخشکی ریگ و سختی کوه" سخن بگوید.

به علت سادگی فوق العاده داستان تنها جایی که شاعر مجاز هنر نامی می‌یابد، همان شرح عشق آتشین مجنون نسبت به لیلی است. اما در این زمینه نیز مگر چه اندازه می‌شود سخن بگویند و نگفت؟

با اینهمه، در لیلی و مجنون نظامی شعرهای بدیع و زیبایی کم نیست. گویند هر گجا توانسته منظره‌ای زیبا ساخته است و گرجه‌هایی این منظره‌سازی‌ها با اصل چندان متناسب نیست، اما بسیار خوب از زبانه‌های آینه و توفیقی بی نظیر یافته است. برای نمونه چند قسمت از این قبیل توصیف‌ها را می‌آوریم:

آفت‌نرسیده دختری خوب چون عقل به نام نیک منسوب آراسته لبنتی جوهای چون سرو سبسی نظاره گاهی شوی که به غمزه کمینه شفتی نه یکی، هزار سینه آموچستی که هر زمان کنستی به کرمه‌های جهانی زلفش جوشی، رخس چرافتی پامنطه‌ای به جنگ زافتی کوچک دهنی بزرگ پاییه چون گنگی تکر نراخ مایه گفت ای ورق شکن دیده چون دفتر گل ورق در پییده ای شیفته، چند بیقراری؟

وی سوخته، چند خامکاری چشم که رسید در جمالت؟ مغزین که داد گوشمالت؟ خون که گرفت گردنت را؟ غار که خلید دامنست را؟ از کار رسیدی، چه کار یافتاد در دیده کدام خارت افتاد؟ مانده بندی زغم کشیدند؟ و زطغه دشمنان شنیدن؟ بنشین و ز دل رها کن این درد آن به که نگوی آهن سرد عشق از تو آفتی برافروخت دل سوخت ترا، مرا جگر سوخت در تو میدی بسی امیدست پایان سپیده سفیدست با دولتبان نشین و بر خیز زین بخت کمریز پای بگریز

۳- در جای دیگر شاعر در زیر عنوان "رفتن لیلی به گلگشت بوستان" وصفی سخت بدیع و زیبا از بوستان عرضه می‌کند و چهل بیت بی مانند می‌سراید. تمام این صحنه‌ها و نظایر آن از لحاظ زیبایی لفظ و مضمون و عمق تخیل و دقت و بیاریک بینی شاعر بسیار قابل توجه است. اما یک نکته را نمی‌توان ندیده گرفت که وقتی نظامی خود در آغاز داستان از برهنگی صحرا و عربستان شگایت می‌کند، چگونه این صحنه‌ها را زیبا در وصف بوستان که لیلی به تفریح آن رفته است می‌سراید؟ و آیا این امر هیچ علتی جز هنرنمایی و طبع آزمایی شاعر در توصیف زیبایی‌های طبیعت تواند داشت؟

توجه نظامی به برداختن داستان و نمودن هنر خویش باعث شده است که گاه هی صحنه‌های غیر طبیعی در داستان وارد کرده، و فصل بزرگ از این کتاب به شرح حیوان دوستی مجنون اختصاص یافته است. چون در عشق در مجنون کا ر کرد و از شنیده‌ای سر به بیابان نهاده و در بر خورد که یکی آهویی چندیده‌ام را کشته و دیگری چند گوزن به جنگ آورده بود، مجنون اسپ خویش را به صیای آهولیا بین و زبورهای خود را به صیای گوزن می‌بخشد و آنان را از جنگال صیای می‌رها ند، در آن بین نکته‌ها را به از نظامی پرسید که "درخشکی ریگ و سختی کوه" چگونه صیای دهر روز آهویی چندیده‌ام می‌افکنند؟

انس گرفتن مجنون با سباع و وحوش نیز از همین مقوله است و اغراق آمیز به نظر می‌رسد، بعضی از این شرح و بسط‌های نظامی سخت دشوار افتاده است تا جایی که ذوق و ذهن را می‌آزارد. شبی مجنون به مناجات با سروردگاری بر می‌خیزد، شاعر، ظاهراً "تجربت نا شایسته و تقلید از نویس ورامین، نخست می‌گوید که آسمان بر ستاره‌ها و آرام‌نیم شبی را وصف کند. نتیجه این کار آوردن مثنوی اصطلاحات دشوار و دور از ذهن نجومی، تا صورت‌های فلکی، اشکال واقع در برج‌های آسمان، اسم منزل‌های ماه و صورت‌های خارج منطقه البروج، با شنیده‌های دور از ذهن آمده است و در آن به او راه‌هایی مانند کعبه و کعبه بطن الحوت و سماکی را محو مانند آن‌ها بر می‌خوریم. گفتیم که چنین صحنه‌ای در ویس و رامین نیز وجود دارد. اما در آن جا "اولا" شاعر با مفا رسی صورت‌های فلکی را آورده و منبلا" به جای دبا کبر و دبا مفر، خبری مختصر و خیرین بهتر و به جای الجانی غلی زکبنتیه مرد بیرون نوشته است آورده است. ثانیا صحنه‌ها را با بدین تکلف و صنم و دشواری نیست و ثالثا

همان صحنه ویس و رامین نیز در خورا شگافا است. اما بعضی موارد طرح مسائل اجتماعی و اخلاقی و گنجا نیدن حکایت‌های کوتاه و پند آمیز، بسیار زیاده لطف و ملاحظت کتاب افزوده است. در هنگام سروده شدن لیلی و مجنون، محمدسرتظامی، چهارده سال داشته و از همین روی تا عرفانی در نصیحت بدو در آغوش زکنا ب آورده است که از قطعات جا ویدان ادب فارسی است و در روزگساری که بنده کودکی دبستان می‌بود بخشی از آن نصیحت نامه را در کتاب سومیا چهارم ابتدا می‌بود، برای کودکان ده یازده ساله آورده بودند و حال آن که مردان چهل ساله نیز در دست خواندن آن دوچار اشکال می‌شدند. بیستی چند، از سادترین ابیات این نصیحت نامه را یاد می‌کنیم:

غافل منبشین نه وقت با زیست وقت هنراست و سرفرازیست دانش طلب و سزگی آموز تا به ننگر اندوزت از روز ... چاشکیه بزرگ بایدت بود فرزندی من نداردت نبود چون شیر بخورده شکن باش فرزندی خوستن باس ... آن شغل طلب ز روی حالت گز کرده نباشدت خجالت کردل نهی ای سر بیدین بند از بند پدر سوسی ترو مند ... بیغمیر گفت علم علمان علم‌الایدان و علم‌الادیان در ناپ دو علم بوی طیب است وان هر دو فقیه یا طیب است میباش فقیه طاعت اندوز اما نه فقیه حیا است آموز میباش طیب عیسوی سس اما نه طیب آدمسی گش گرهرد و شوی بلند گردی بیش همه ارجمند گردی پرواز ترا ز این بندهای گران مایه دستورهای بیست که برای بهتر زیستن، برای زندگی با مناعت و حرمت و گردن فرازی به همگان می‌دهد؛ تا عند جویخ قشرده بودن

چون گل بگذاز رنم خوشی بگذر جوی بنفشه از دور و روی جانی باشد که خار باشد دیوانگی بکار باید گردی خرنکی به کعبه کیم کرد در کعبه دید او شکم (= لاف، خشونت) کرد کاین بادیه رازهی دراز است این گفت و جو گفت با ریس دید خردید و جو دید خربخندید گفتا خرم از میان کیم بود روایتش با تلم بود گراستلمی نمیزد آن کرد خرمیند و بار نیزم میبرد با فین طلب کسان چه باشی دست خوس نا کسان چه باشی کردن جه نمی به رفتن باشی؟

چون کوه بلند بشتی کن بانرم جهان در ششمی کن چون سوسن اگر حیر بر پایی دردی خوری از زمین مافی خواری ظل درونی آرد بیداد کسی، زیبونی آرد میباش خوفا و خریه بر درون تا خرمین گل کنی در آغوش نیرو کن است حیف و بیداد از حیف (معلم) بمیسرد آدمیزاد بسیاری بخش‌های دیگر زلیلی و مجنون نیز جز بهترین نمونه‌های سخن فارسی به شمار می‌آید؛ بردن پند مجنون را به کعبه و نیایش مجنون در آن خانه، آنسجه نظامی در توصیف بی وفایی زنا گفته است که اگر چه با واقعیت وفق نمی‌دهد اما در حدای زیبا بی سروده شده است و بسیاری داستان‌ها و مظلوم‌ها دیگر از میان این گونه مظلومانه داستان‌ها به حکایت شاه مرورا کسه سگان آدمی خوانده‌اند، و بی شک از شاهکارهای جاویدان سخن پارسی است برگزیده و برای حسن ختام، گفتی از خویش را با نقل آن به پایان می‌آوریم و میدواییم جوانان این شعر نیز زیبا و بر معنی را به حافظه خویش بسپارند و از مرور کردن دوباره و چند باره آن لذت ببرند؛ در قصه غنیده‌ام که یاری

بودست بمرور شاجه‌دار در سلسله داستی سگی چند دیوانه‌وش وجودی بودرینند هر یک مصلحت کناری کرده سراسرتی بگساری سه‌خون سدی از کسی بر آزار دادی بدان سگان خونخوار سینه در صفحه ۱۱



دوشنبه ۲۳ شهریور

سزده و کوشیا در دیدار با نمایندگان هیئت مدیره شورای امنیت سازمان ملل متحد در تهران برگزار شد.

احمد ظاهری، وزیر خارجه الجزایر که به دعوت علی اکبر ولایتی به تهران رفته است صبح روزی از ولایتی دیدار و گفتگو کرد. ظاهری است و سیس عازم بغداد، کویته و ریاض شود. به گفته معاون سیاسی ظاهری، هیئت مدیره سازمان ملل در جریان سفر به تهران قطعنامه‌ای را تصویب خواهد کرد.

سازمان نظامی ایالتی امروز از بندر شارته واقع در ایالتی عازم آبهای خلیج فارس شد. مجلس شورای اسلامی لایحه تحویل یک میلیون تن دیگر نفت را به ایران رسیده است. سوریه تصویب کرد. براساس این لایحه یک میلیون تن نیز نفت از آن در اختیار سوریه قرار خواهد گرفت.

بروز و کوشیا صبح روزی از سفر ۲ روزه خود به تهران و بغداد، به نیویورک بازگشت و طی جلسه محرمانه‌ای گزارشی را به شورای امنیت ارائه کرد.

خبرگزاری فرانسه گزارشی داد که مقامات جمهوری اسلامی، در سفر کوشیا به تهران، به وی پیشنهاد دادند که او در مرحله نخست، پس از تشکیل یک کمیته بیطرف ویژه برای معرفی آغاز جنگ آتش بس غیر رسمی برقرار خواهد شد و در مرحله دوم پس از اعلام آغاز جنگ، جمهوری اسلامی آتش بس رسمی را خواهد پذیرفت.

عراق اعلام کرد امروز میدانهای نفتی کربلج و باغ ملک و یکی از اسکله‌های پایانه نفتی خاگرک و یک هدف بزرگ دریایی را در نزدیکی سواحل ایران بمباران کرده است. عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد، هدف از این عملیات، تضعیف توان دفاعی ایران است. عراق اعلام کرد، در ادامه عملیات جنگ، حملات خود را علیه شهرهای ایران، بویژه علیه تاسیسات اقماری و نظامی ایران آغاز خواهد کرد.

هوایپماهای عراقی امروز دو حوزة نفتی در جنوب غربی ایران و دو کارخانه سازنده تجهیزات نظامی را در نزدیکی اصفهان بمباران کردند. جمهوری اسلامی اعلام کرد، در منطقه مندلی واقع در جبهه مرکزی دست به هجوم جدیدی علیه عراق زد. براساس بیانیه نظامی بغداد، کوشیا با ران شهر بصره توسط توپخانه جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

پارلمان اروپا با تصویب قطعنامه‌ای خواستار شده که کشورهای اروپایی برای شرکت در عملیات مین ریزی خلیج فارس همگام شوند. در این قطعنامه همچنین خواسته شده است که ۱۲ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا تصمیم جدی دربارۀ تحریم فروش اسلحه به جمهوری اسلامی اتخاذ کنند.

چند ساعت پس از دیدار وزیر خارجه الجزایر با ایران، وزیر خارجه سوریه نیز با پیامی ویژه از سوی حافظ اسد وارد تهران شد.

جمع ۲۷ شهریور
هوایپماهای عراقی امروز حوزۀ نفتی اردشیر در خلیج فارس، اسکله شرقی خاگرک، حوزۀ نفتی بهرگان، جزیره لوان و یک نفتکش عظیم را در نزدیکی سواحل ایران بمباران کردند.
جمهوری اسلامی اعلام کرد تا سیاست نفتی کرکوک عراق را بمباران کسر کرده است. عراق این خبر را تکذیب کرد.

در ساعت ۱۷ امروز یک هواپیما متعلق به ناوگان آمریکا در خلیج فارس طی مانور روزمره در شمال دریای عمان سرنوشت کرد.

وزیر خارجه کویته در دیداری غیرمنتظره به رییس با رئیس جمهوری وزیر خارجه فرانسه دیدار و گفتگو کرد. به گفته منابع مطلع موضوع اصلی این دیدار جنگ جمهوری اسلامی و عراق و وضعیت خلیج فارس بوده است. وزیر خارجه کویته دربارۀ ریس نسبت به امکان موفقیت مأموریت صلح پرزد و کوشیا را بسیار بدبینی کرد.

تلوویزیون کانال یک فرانسه در برنامه خبری ساعت ۱۳ امروز خود مصاحبه‌ای با یک عضو هیئت مدیره سازمان ملل متحد کرد. «خبر» به لبنان فرا کرده است پخش کرد. وی که خود را مصطفی و عضو گروه میسری ها شمی معرفی می کرد، به افتخار گسندی عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا پرداخت و گفت که «ایران در کنار ستاد عملیات تروریستی جمهوری اسلامی در اروپا است که توسط علی رضا شیرمحمدی دسلماست جمهوری اسلامی اداره می شود. وی گفت جمهوری اسلامی با اجاسا زکری در مواد منفجره و اسلحه در دست و پا و با تسبیحی های مجروحان جنگ که به خا رج اعزام می کند، تجهیزات لازم را به اروپا می فرستد. وی فاش کرد که تا حد آلمان یک میلیون مارتک برای عملیات تروریستی در اختیار رویدگرچی گذاشته است. مصطفی تهدید کرد که اگر جمهوری اسلامی بلافاصله بر سر میهدی ها شمی بیاید، طرفداران او در داخل ایران به عملیات تروریستی خواهد پرداخت.

هوایپماهای عراقی تلمبه خانه زانه را که نفت تهران را تا مین می کشد بمباران کردند. تلمبه خانه های یک و دو در زمان واقع در ۲۵ کیلومتری مرز دو کشور نیز بمباران شد.

منابع دریایی خلیج فارس تا شیب کردند که شب گذشته یک نفتکش غول پیگیر قبرسی که در اجاره جمهوری اسلامی بود در شمال خلیج فارس هدف یک موشک اگزوست هوایپماهای عراقی قرار گرفت و آسیب دید.

یکشنبه ۲۹ شهریور
به گزارش لویدز لندن امروز یک نفتکش سعودی در خلیج فارس مورد حمله قرار گرفت ولی خسارات سنگینی به آن وارد نشد.

در بیانیه‌ای مبهلتی که از سوی جاسمعه عرب به جمهوری اسلامی برای پسندیدن قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت داده شده بود، وزیران خارجه جاسمعه عرب در تونس گرد هم آمدند ولی به موضع مشترکی درقبال جمهوری اسلامی دست نیافتند و در نتیجه از سران کشورهای عرب خواستند جلساتی فوق العاده‌ای به این خاطر تشکیل دهند.

روزنامه مدیلتی تلگراف نوشت که تن افغانی و چند نفر ایرانی به اتهام شرکت در یک موج بمب گذاری در پاکستان دستگیر شدند.

ایرانی مخالف رژیم خمینی به نام نیوشا فرهی در تظاهرات علیه جمهوری اسلامی در لوس آنجلس دست به خودسوزی زد و در حالت سوختگی وخیم به مرکز درمانی دانشگاه کالیفرنیا منتقل شد.

وزارت صنایع فرانسه اعلام کرد در آنسه از تاریخ ۶ اوت سال خرید نفت از جمهوری اسلامی را قطع کرده است. چهل و دومین اجلاس سالانه مجمع عمومی سازمان ملل امروز آغاز شد. رئیس جمهوری آمریکا در سخنرانی خود در این اجلاس از علی خامنه‌ای که وی نیز برای شرکت در این اجلاس به نیویورک رفته است خواست تا سخ صریح جمهوری اسلامی را به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت اعلام کند. ریگان گفت چنانچه تهران این قطعنامه را نپذیرد، شورای امنیت باید به فوریت اقداماتی برای اجرای مفاد قطعنامه به عمل آورد.

یک هواپیما مسافربری بوئینگ ۷۴۷ جمهوری اسلامی که در فرودگاه فرانکفورت از سوی پلیس آلمان متوقف شده بود سرانجام اجازه پرواز یافت. مأموران امنیتی هواپیما از خروج یک دانشجو ایرانی ۳۴ ساله که دارای اجازه اقامت در آلمان بود جلوگیری می کردند و به این عنوان که وی در ایران تحت تعقیب است قهدها شدند و او را به ایران بازگرداندند. پلیس آلمان هواپیما را محاصره کرد و سرانجام جوان مزبور پس از اظهارهای چندپلین، به مقامات آلمان غیبی تسلیم شد.
جمهوری اسلامی اعلام کرد در بمباران

امروز از ناوگان فرانسه در استان لرستان، ۱۲ نفر کشته و ۲۸ نفر زخمی شدند. براساس همین گزارش هواپیماهای عراقی چندواحد صنعتی را نیز در کرمانشاهان بمباران کردند.

یک کشتی جمهوری اسلامی که به گفته دولت آمریکا در حال مین گذاری آبهای خلیج فارس بود در حدود ساعت ۱۱ امشب مورد حمله یک هلی کوپتر نظامی آمریکا قرار گرفت و سه آتش کشیده شد. ۴ سرنشین کشتی کشته شدند و ۲۶ تن از آنها از جمله ۴ مجروح که در نجات یق های نجات سوار بودند توسط کشتی های آمریکا نجات یافت شدند. در این کشتی ده مین کشف شد. به گفته مقامات آمریکا کشتی کشتی "ایران اجر" قبل از حمله ۶ مین نیز به آب انداخته بود. جمهوری اسلامی اعلام کرد که این کشتی غیرنظامی و حامل مواد غذایی بوده است.

علی خامنه‌ای در نطق خود در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با اشاره به واقعه مذکور گفت این حادثه آغاز ماجراهای وحشی است که عواقب آن به منطقه خلیج فارس محدود نخواهد شد. وی آمریکا، شورای امنیت، عضویت دائم ۵ کشور بزرگ در این شورا و حق وتوی آنان را مورد انتقاد قرار داد و دوشورای امنیت را "کارخانه کاغذسازی" خواند. وی با سخنی به قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت اشاره کرد.

دولت انگلستان دفتر خرید اسلحه جمهوری اسلامی را در لندن تعطیل کرد و به سی نفر کارمند آن ۱۵ روز فرصت داد تا خاک بریتانیا ترک کنند.

وزیر خارجه شوروی طی سخنرانی خود در سازمان ملل، نگرانی شوروی را از خطر بالا گرفتن جنگ در خلیج فارس به دلیل حضور فزاینده نیروهای نظامی در این منطقه یادداشت و از همه نیروهای متمرکز در منطقه خواستار شد و خواستار خود را حفظ کنند. وی ضمن آن که خواستار اجرای آتش بس فوری و تشکیل کمیسیون تحقیق شش کشور برای جنگ جمهوری اسلامی و عراق شد، پیشنهاد کرد در نیروی بین المللی برای حفاظت از آزادی کشتیرانی، در خلیج فارس مستقر شود.

سختگیری وزارت خارجه شوروی گزارشی مطبوعات کشورهای عرب را مبنی بر فروش جنگ افزار به جمهوری اسلامی تکذیب کرد و اظهار داشت شوروی هیچگونه اسلحه و تکنولوژی نظامی در اختیار رژیم تهران قرار نداده است.
عراق اعلام کرد هواپیماهای آن کشور نیویورک به برق سد در بمباران کردند. به گزارش لویدز لندن یک کشتی کوچک تحقیقاتی با ناماتی که از کویته بود، بر اثر برخورد با مین در خلیج فارس غرق شد.

سختگوی وزارت خارجه ژاپن اعلام کرد ژاپن آماده است در تاه مین هزینه اعزام نیروهای سازمان ملل به خلیج فارس که از سوی شوروی پیشنهاد شده است شرکت کند به شرط آن که این پیشنهادها در توافق آراء در سازمان ملل

تصویب شود. جمعه ۳ مهر

وزیران خارجه ۵ کشور عضو شمشورای امنیت دریایی در جلسه تاریخی ناها رود با دبیرکل سازمان ملل و مذاکره دربارۀ قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت، اعلام کردند تحریم جمهوری اسلامی را به بعد موکول کرده اند و به رژیم تهران فرصتی دیگر داده اند تا قطعنامه را بپذیرد.

علی خامنه‌ای در بازگشت از سازمان ملل، در مراسم زجمعۀ تهران گفت: به دستور روح الله خمینی جمهوری اسلامی در مواضع خود هیچ سازی نخواهد کرد و متجاوباً و با بد معرفی و محازات شود.
وزیر خارجه عراق در سخنرانی خود در سازمان ملل اعلام کرد عراق هیچ تغییری را در قطعنامه ۵۹۸ نمی پذیرد و با اشاره به همین شوری که تا آنکه قبلاً به این قطعنامه را می دادند و با بنک درصند تغییرات مختصری مطابق خواسته های جمهوری اسلامی در آن بدهند مورد انتقاد قرار داد.

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد کشتی مین گذار "ایران اجر" امروز در آبهای بین المللی خلیج فارس توسط نیروی دریایی آمریکا منقرض گردید.
هفته نامه اسپرس نوشت: خمینی دارای تومور مغزی است و مذاکره بین ایران و مقامات آمریکایی جریانی دارد تا مقدمات عمل جراحی وی توسط پروفیسور "فی لینگر" در وین فراهم شود. پروفیسور "فی لینگر" اعلام کرد که نتایج نوشته اسپرس را جدی گرفت.

عراق اعلام کرد امروز تا سیاست نفتی آغا جری و ایستگاه راه دبیوا هوا را بمباران کرده است. براساس بیانیه نظامی عراق، مناطق مسکونی بصره، خانقین، قاعه دیزه و شیروان عراق امروز زیر آتش توپخانه جمهوری اسلامی قرار داد.
ساعت ۲ و ۵ دقیقه بعد از ظهر امروز انفجار تومویلی در بلوا را نیز با بست تهران شیشه های ساختمان های اطراف را خرد کرد و به تومویلی های اطراف آسیب رساند. در این انفجار ربه کسسی آسیبی وارد نشد.

نیروهای آمریکا سرنشینان کشتی ایران اجر را در مسقط با حضور نمایندگان صلیب سرخ جهانی به جمهوری اسلامی تحویل دادند.
کمال خرازی سرپرست تبلیغات جنگ جمهوری اسلامی دربارۀ انهدام کشتی "ایران اجر" گفت آمریکا با پیدا اعلام کند که آیا با این عمل خود رسا "بسیه جمهوری اسلامی اعلان جنگ داده است یا نه. وی افزود جمهوری اسلامی علاوه بر این که حق شکایت از این عمل غیر قانونی آمریکا را برای خود محفوظ نگاه میدارد، در موقع مقتضی پاسخی مناسب به آمریکا خواهد داد.

دوشنبه ۶ مهر
رادپو جمهوری اسلامی اعلام کرد که با مداخله امروز مهدی ها شمی رئیس پیشین دفتر کمک به نفت های آزادای بخش ویکی از نزدیکان آیت الله منتظری به جرم "فساد در ارض" اعدام شد.

شورای نگهبان در نشست ۱۹ شهریور
بقریه از صفحه ۱
پس از تصویب صورتجلسه گذشته، رهبر نهضت طی سخنانی پس از اشاره به مشکلات ماههای گذشته، نهضت گفت: افتخار ما اینست که تا شمه ذات هستیم، بخلاف گروه ها و افرادی که به دستور عمل می کنند، به دستور فریاد می کشند و به دستور ساکت می شوند. ما، با اینکه در چند ماه گذشته زنجیر تشکیلاتی بعللی، از جمله متفقۀ مالی، با مشکلاتی روبه رو بودیم، ولی خوشبختانه کسی به این علت ها یا سمت نکرده ما، علیرغم این مشکلات به فعالیت خودمان در داخل مملکت و در صحنه بین المللی با همان ایمان و اعتقاد در اسخ، ادامه دادیم. در این مدت عنا صرنا خسته شده ای به سبب مشغول شدن نگاه اعتبار ما را از بین ببرند، ولی خوشبختانه، نه تنها موفق نشدند اعتبار ما، نه تنها لطمه ای

دکتر محمد مصدق در دادگاه تجدید نظر نظامی

مهاکما جزایی تعیین شده واقع شوند و ما با "به اینکه چنین اظهار عینا نی از لحاظ جنبه خصوصی نشده است" او مرما در گذشت تلقی شود و علاوه از جهت حیثیت عمومی جرم او مرما در عینا نفی شود لذا ششگانه با شد زیرا اقدام به عفو و بخشودگی پس از قطعی شدن حکم محکومیت با رعایت تشریفات قانونی طبق ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی باید بعمل آید بنا بر این استناد دادگاه بدوی به ابلاغیه صادره در این مقام میورد بوده.

بنابراین "با توجه به کیفیت آنها مانتسبیه واستدلال دادگاه بدوی که اصل مجازات را منطبق با ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و با ماده ۴۱۴ قانون مجازات عمومی و کیفر ارتش رعایت ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی را ننموده که مجازات قابل اعمال در مجازات نام برده را حبس مجرد دانسته و چون در ماده ۲۳۰ تعیین حداقل و اکثر نشده لذا تعیین حبس مجرد بدون رعایت علل مخففه و دادن تخفیف خالی از اشکال بوده و اینک دادگاه بدوی که تخفیف برآیده و به ما ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی استناد نموده است شرفا قانونی ماده ۴۴ قانون نام برده در تعیین کیفر مشا هد نمی شود.

۲- در مورد سرتیب تقی ریاحی:

طبق نص صریح اصل ۷۸ متمم قانون اساسی و مواد ۲۵۲ و ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش احکام صادره از دادگاه باید مدلل و موجه بوده دادگاه را جبهه تحقیق بزه و توجه آن به متمم و نظامی با مواد قانونی دقت های لازم بنمایند علاوه بر اینکه رای صادره در باره سرتیب تقی ریاحی مدلل و موجه نمی باشد تطبیق اعمال منتسبه به متمم نام برده با بند "ب" از ماده ۲۳۰ قانون دادرسی و کیفر ارتش که مفهوم ظاهر و نص صریح آن لغوی دستور مربوط به تکالیف نظامی و فرماندهی در موارد خاص است نه مدلل می باشد و نه وجهت قانونی دارد، از جهت دیگر اصولا "به صورتی که دادگاه بدوی در مورد آنها مانتسبیه استناد (دکتر محمد مصدق) استدلال کرده و مجموع آنها مانتسبیه به مشا را لیه را اقدام به ارتکاب جرم موضوع ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش تشخیص داده، تمام اعمال منتسبه به متمم ردیف ۲ (سرتیب تقی ریاحی) را به طور مستقیم و غیر مستقیم مربوط و مرتبط با قسمتی از اعمال انتسابی به متمم ردیف یک (دکتر محمد مصدق) دانسته بنا بر این بنا در نظر گرفتن وحدت موضوع بزه ارتکاب از تطبیق بدون وجود تفریق صحیح به نظر نمی رسد. حکم مورد تقاضای تجدید نظر طبق ماده ۲۳۳ قانون دادرسی و کیفر ارتش نسبت به هر دو متمم منسوخ و در مورد دکتر محمد مصدق نسبت اکثریت شش رای در مقابل یک رای و در مورد سرتیب تقی ریاحی به اکثریت پنج رای در مقابل دورا "بی شرح زیرا اعلام رای می گردد:

در مورد دکتر محمد مصدق - هر چند نام برده در مورد قسمتی از آنها مانتسبیه صریحا "اقرار و اعتراف نموده و در مورد قسمت دیگری سفسطه و ختلاط موضوعات برای هر یک از آنها مانتسبیه منظور فرار از مجازات مطالبی برای دفاع از خود عنوان نموده که با توجه به محتویات پرونده و توضیحات اشخاصی که به عنوان مطلع در دادگاه بدوی حاضر شده اند بنده نظر دادگاه مدافعات مشا را لیه مؤثر نبوده و هیچیک از آنها ارزش قضائی بنادر و خواصا اظهار عدم اطلاع او از بعضی اعمال و وقایع "از قبیل تلگرافات به سرفرا ایران در خرداد ۱۳۳۴ به سرفرا ملاقات نمودن و تماس گرفتن با علیحضرت هما یون ها هشش هی با آن لحسن موهن- تشکیل میتینگ با وسایل تبلیغاتی دولتی و نطق دکتر حسین قاضی در میتینگ عصر ۲۵ مرداد ۱۳۳۲ که

متهمنا مبرده ورا وزیرخارجه خودمی دانسته- پائیس آوردن مجسمه های اعلیحضرت محمدرضا شاه پهلوسوی تحت نظر قرار دادن خانان سلطنتی "با سمتی که برخلاف قانون اساسی برای خودبانی می دانسته قابل پذیرش نمی باشد زیرا هر چند نام برده قانونا "معزول بسوده و سمتی نداشته ولی چون خودرا نصبت وزیردا نسته لذا طبق اصل ۶۱ متمم قانون اساسی به زعم خود مسئولیت مشترک در کلیات امور داشته است.

همچنین در بعضی موارد نیز که اظهار حس نیت و غیر خواهی نموده "مانند اقدام به تشکیل شورای سلطنتی از راه رفتارندوم که مراحتا "در محضر دادگاه جنین اظهار نمود- نظراین بود هیئت وزیران به وسیله تلگراف با اعزام چند نفر به مرا زبیشگاه ملوکا نه درخواست کنند که به ایران مراجعت فرما یند چنانچه این درخواست مورد قبول واقع نمی شد شورای سلطنتی را تعیین فرمایند که در غایب شاه شاه انجام وظیفی که به عهده مقام سلطنت محول است متعوق نما ند و در صورت عدم موافقت با هیچ یک از این دو پیشنهاد آن وقت شورای سلطنتی از طریق رفتارندوم تشکیل شود "به نظر دادگاه دادگاه منطقا "و قانونا قابل قبول نمی باشد زیرا اگر ایسن ادعا صدق بود از تاریخ ۲۵ تا ۲۸ مرداد با موجود بسودن همه گونه وسایل سریع السیرا رتباطی که در اختیار متمم بود اقدام به اعزام چند نفر به مرا برای عملی نمودن مراتب موردا دعای خودمی نمود ولی با توجه به محتویات پرونده و تحقیقاتی که به عمل آمده این عقیده وحسن

نیت ادعای در مدت چهار روزنه فقط عملی نشده حتی کوچکترین اقدامی برای عملی نمودن آن از قبیل تعیین اشخاصی و یا در نظر گرفتن وسیله حرکت نموده حتی با موجود بودن همه گونه وسایل مخابراتی اقدام به مخابره یک تلگراف مستقیم یا توسط سفارتخانه ایران در بغداد ورم به پیشگاه اعلیحضرت هما یون ها هشش هی نموده که این ادعای حسن نیت و غیر خواهی او مشهود و مورد قبول دادگاه واقع گردد، ولی برعکس تلگرافاتی که به نام پیندگان سیاسی ایران در خارج دایر به تماس گرفتن با اعلیحضرت شاه هشش هی مخابره شده برخلاف این مدعا و کاری از سو نیت میباش.

همچنین در مورد حذف نام اعلیحضرت هما یون ها هشش هی از دعای صیحا و بنا مگا در سرریا زخانه ها، اظهارات شش با بنیانات سرتیب تقی ریاحی متناقض می باشد، زیرا نام متمم نام برده ظاهر شده است چون این طور تصور شد که شاه هشش هی حاضر نیستند بقای نام خود را مقدم بر بقای نام ایران بدانند لذا دستور داده شد که سرریا زبیه بقای ایران دعا کنند و اعلیحضرت هما یونی هم در یک مملکتی مستقل و آزاد سلطنت فرمایند و دعای صبح و شب سرریا زبیه بقای ایران دلیل تصدیق است به شاه هشش هی نبوده است "سرتیب تقی ریاحی ادعا نموده و توضیح داده که بنا بر پیشنهاد فرما ندها شکده قسری از لحاظ جلوگیری از اتفاقات احتمالی دعای مورد نظر با اطلاع دکتر محمد مصدق تغییر داده شده ولی متمم نام برده (دکتر محمد مصدق) به هیچ وجه نتوانسته است که در تخریب دعای صیحا شاه هشش هی حذف نام اعلیحضرت هما یون ها هشش هی از دعای نام برده حسن نیتی داشته چگونگی قبل از دریافت فرمان اقدام به این عمل نشده و این اتفاقات منافسی و مخالف مقام سلطنت و حکومت سلطنتی مشروطه پس از صدور فرمان عزل و تحمکن نکردن از آن بقوع پیوسته است. بنا بر این اجمالا "اعمال و افعال مشا را لیه را نسبتا است یک روز ۲۵ الی ۲۸ مرداد منفردا "و مجتمعا "به طور واضح و روشن منطبق با ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش بوده و بنا در نظر گرفتن اینکه دادستان ارتش از حکم دادگاه بدوی استنادی تجدید نظر نموده، بنا مبرده بنا استنادا ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش و رعایت ماده ۴۶ قانون کیفر عمومی از لحاظ تجا و وزن او از نصت سال محکوم است به سه سال حبس مجرد با بدمدتی از که از تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ با زداشت بوده در حساب محکومیت او منظور نمود، در مورد سرتیب ریاحی - سرتیب تقی ریاحی در مشا ماعمال ارتکابی صرفا "منظورش تسهیل اجرای منویات متمم ردیف یک (دکتر محمد مصدق) بوده و بنا علم او اطلاع به هدف و منظور نام برده و موافقت نامی بنا مشا را لیه به تضعیف حس شاه دوستی و تزلزل مقام شاه سلطنت و محو آثاری که موجب تذکر وجود سلطنت بسوده و

تشویق مخالفین سلطنت و رعاب و آزار کسانیکه حرارت سلطنت خواهی و شاه دوستی در آنها شعله ور بوده میسر درت نموده است، زیرا دستور تغییر دعا می صیحا هشش مگا به حذف نام اعلیحضرت هما یون ها هشش هی از دعا و مخابره تلگرافات به لشکر فارسی و فرمانداری نظامی با دان به مضمون اینکه شاه فارسی است و جلوگیری از پائیس آوردن از مجسمه ها نشود دستور تغییر ندا زی در روز ۲۸ مرداد به طرف افرادی که احساسات شاه دوستی خود را با طرف می دانسته اند به نظر دادگاه دادگاه دلیل کافی بسرای اثبات همکار ی و معاونت او با متمم ردیف یک (دکتر محمد مصدق) می باشد.

بنا بر این اعمال مشا را لیه مانت با دکتر محمد مصدق بوده و بنا استنادا ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش و ماده ۲۸ و ۲۹ قانون مجازات عمومی و توجه به ماده ۳۰ همان قانون محکوم است به سه سال حبس با کاروباید مدتی که از تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ با زداشت بوده در حساب محکومیت او منظور گردد.

رای صادره با رعایت شرایط مندرج در ماده ۲۶۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش در مدت ده روز از تاریخ اعلام آن فرجا پذیر می باشد.

رئیس دادگاه تجدید نظر و قاضی ۲۵ الی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ - سرلشکر رضا جوادی کارمند ۱ - سرتیب عیسی هدایت کارمند ۳ - سرتیب علی هیماوالی کارمند ۳ - سرتیب علی میرفندرسکی کارمند ۴ - سرتیب نعمت الله خوشنویسان کارمند ۵ - سرتیب احمد آجودانی طبق رای جدا گانه که منضم به پرونده است.

کارمند علی الهدل - سرتیب عزت الله فرغانی طبق رای جدا گانه در مورد متمم ردیف ۲. دادبا رد دستا نی ارتش - سرهنگ ۲ الهیاری ساعت ۲۰/۴۰ روز ۲۲/۲۲/۳۳.

از این حکم که در یک دادگاه غیر قانونی و برخلاف قانون و اساس صادر شده است درخواست فرجا می کنیم و از دادستان تمنا دارم که دستور فرمایند وکلای اینجانب آقایان بهرام مجدزاده، حسن صدرو علی شهبان زاده هر چه زودتر با اینجانب تماس بگیرند تا با مشورت آنان درخواست فرجا می تهیه شده تقدیم دفتر دادگاه بشود.

۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳ دکتر محمد مصدق به رای صادره معترض و تقاضای فرجا می نمایم لاجسه فرجا می را جدا گانه در مهلت قانونی تقدیم خواهم داشت. سرتیب تقی ریاحی.

روایت شد - سرهنگ بزرگمهر ۲۲/۲/۳۳ روایت شد - سرهنگ ۲ آزمین ۲۲/۲/۳۳

دادنامه رای اقلیت در باره متمم ردیف ۲ (سرتیب تقی ریاحی) نظریه اینکه متمم ردیف ۲ (سرتیب تقی ریاحی) در آنها مانتسبیه روی مباحی انضباط و اطاعت از امر ما فوق دستورات عملی ما در نموده و سو نیت و نسبت به مقام سلطنت به هیچ وجه محرز نگردیده است علیهذا عمل او با ماده ۲۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش منطبق نبوده ولی از لحاظ توهینتی که در تلگراف مربوط به مقام سلطنت نموده است و نظریه اعتراف مشا را لیه در مسورد اخیر بزه و منطبق با ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی بوده و بنا بر سرفرا او با عواحوال بدهیک سال حبس تا دینی محکوم می گردد.

سرتیب عزت الله فرغانی - سرتیب احمد آجودانی دادنامه رای اقلیت در باره متمم ردیف ۱ (دکتر محمد مصدق) با در نظر گرفتن مفا دیرونده و توضیحاتی که در جلسات دادگاه از طرف متمم ردیف ۱ (دکتر محمد مصدق) به دادستان ارتش داده شده اینجانب آنها مانتسبیه به دکتر محمد مصدق را منطبق با یک قسمت از ماده ۳۱۷ قانون دادرسی و کیفر ارتش دانسته و بنا توجه به ماده ۴۶ قانون مجازات عمومی که سن نام برده از زشت سال متجاوز است و در نظر گرفتن خدمات سابق دکتر محمد مصدق که از طرف ذات اقدس شهبازی مورد تقدیر واقع گردیده و اینکه نام برده هیچ گونه سابقه کیفری ندا ردوی را مشمول یک درجه تخفیف بر طبق ماده ۴۴ قانون مجازات عمومی دانسته و به سه سال حبس عادی محکوم می گردند. سرتیب احمد آجودانی - ۲۲/۲/۳۳

رفت و آمد می کند، جالب است که وی، سا لهما پیش، در یکی از سخنرانیهای نماز جمعه اش گفته بود که اگر ما در اتومبیل ضد گلوله نشینیم، مردم مستضعف ما را در آن خواهند نشاند. با پیدا ز او و پرسید که چرا میدان بر قالیچه ی زربخت، نشستن بر مبیل های مخمل، به خدمت گرفتن آشپزهای دربار، داشتن حسابهای ارزی چندین میلیون دلاری در بانکه های خارجی - آیا اینها هم خواست مردم مستضعف است؟ آیت الله خمینی با رها گفته است که مردم برای شکم انقلاب نکردند، ولی فراموش کردید یغزایده که برای شکم خودشان انقلاب نکردند، بلکه انقلاب کردند که رفعتشان را، احمد خمینی ها، موسوی اردبیلی ها و امثال اینها - شکمبارگی کنند.

ظروف جای و میوه همه زبهنسریسن کریستالها و لوسترها از مر مطلاست. برای این اشیاء هیچ قیمتی نمیتوان گذاشت. اینها ظاهرآ "همه ز دوره شاه به جا مانده است. به هر حال انسان را به یاد آن دوره می اندازد. اما تنها لوازم و اشیاء تا لاریذیرا نشی مجلس - که البته فقط رفعتانی حق استفا ده اختصاصی از آن ها را دارد - انسان را به یاد اشرافیت و تجمل گذشته نمی اندازد. رفعتانی از این تالار فقط برای پذیرائی از میهمانان خارجی استفا ده می کنند و هنگامی که عکاس ها برای عکس برداری می آیند، چنان عمامه را کج می گذارند و تنده می نشینند که گوئی آئین سوری را بدر دریدریه ارت برده است. در هیچ یک از دوره های مجلس - چه آن وقت که مجلسی بود و چه بعدا - هیچ رئیس مجلسی هرگز چنین با در برت نمی.

بقیه در صفحه ۱۰

سوزن ساقی

بقیه از صفحه ۱

گلوله آخرین سیستم خود، او را در شهر گردش داده با هوا پیمای اختصاصی "شهباز" - هوا پیمای مخصوص شاه - در آسمان ایران گردانده است یا نه، ولسی از آنجا که قاعدتا "احساس ما در آن به فرزند ان احساسی کما بیش مشترک است، و لاده آقای رفعتانی هم با پدر باره" سرش علی اکبر همان گونه بیندیشد که ما در برزخ در باره برزخ خود می اندیشید.

در تالاریذیرا نشی مجلس قالی بسیار نخسی پهن است، مبیلها از بهترین چوبها و با رجه ها تهیه شده، پرده ها چنان گرانها است که ز دورا دمی زند،

نامه‌ها و نظرها



با تمام نام‌های رسمی و غیررسمی که در این روزگار بر سر ما نهاده شده است و معانی و مفاهیم بسیار گوناگونی دارد و هر یک از آنها را می‌توان به معنی‌های مختلف و گوناگونی تفسیر کرد. اما در این مقاله می‌خواهیم به معنی‌های مختلف و گوناگونی نام‌ها و نظرها بپردازیم. نام‌ها و نظرها در طول تاریخ و در طول تمدن‌ها و فرهنگ‌ها، همواره نقش مهمی داشته‌اند. نام‌ها و نظرها می‌توانند به عنوان یک ابزار ارتباطی و فرهنگی عمل کنند. در این مقاله می‌خواهیم به بررسی نام‌ها و نظرها بپردازیم و به معنی‌های مختلف و گوناگونی آنها بپردازیم.

نامه سرگشاده

به سلطان و درویش

جریده، شریفه، قیام ایران، میگویند گدا را که رومی می‌داند، ما حیوانات می‌شود، بنده ادعای ما حیوانات ندارم ولی میمان کمروزی هم نیستیم، حالا که دنیا به سرگشاده، بنده را درج کردید، نه تنها سومی را خدمتتان میفرستم، بلکه پیشنها می‌کنم که در سر لوجه، مفسد نامه‌ها و نظرها، این کلام فیلسوف بزرگ، ولتر را نقش کنید:

"با آنچه می‌گوئی سخت مخالفم، اما تا پای مرگ ایستاده‌ام که حق گفتنش را داشته باشی"

Je désapprouve tout à fait ce que vous dites, mais je défendrai jusqu'à la mort votre droit de le dire.

VOLTAIRE

تا اولاد درس تحمل عقاید دیگران بیه افرا دنا متحمل بدهد و تا آنجا که خرد، نظری را که بنده و امثال بنده ابراز می‌کنیم، الزاماً به حساب شما نگذارند.

با احترام
آواره، محفوظ الامضاء



یکی از شماره‌های اخیر قیام را که خوانده بودم، دوباره مرور می‌کردم. در شرح محاکمه دکتر مصدق در دادگاه گسا به تجدید نظر نظر می‌چشم به این کلام مصدق افتاد که گفته بود: من پادشاهی نمی‌خواهم که اگر خراجی گفت بسوزد، بگوید من پادشاه این مملکت و هیچ کجا نمی‌روم.

ذهنم به خاطر آن محمدرضا شاه در کتابت پاسخ به تاریخ برگشت، آنجا شی که می‌گوید: همه اصرار سولیوان و ژنرال هویزر این بود که ساعت حرکت مرا بدانند.

در عالم خیال یک صحنه خیالی - خیال اندر خیال - را مجسم کردم که سفیر و ژنرال امریکائی در دفتر کارشاه در کاخ شیوران روبروی او نشسته‌اند و می‌گویند:

- اعلیحضرتا، کی حرکت می‌کنید؟ لطفاً ساعت حرکتتان را به ما بفرمائید!
و محمدرضا شاه جواب می‌دهد:
- آقای سولیوان، آقای ژنرال، من پادشاه این مملکت و هیچ کجا نمی‌روم. چه صحنه‌ها شکوهی میتوانست باشد، از

سرکاری آورد که گروه حاکم را قلع و قمع میکند، بکنار. دردنیای حاضر و دور قرن ما، جرایم اتفاقات دردناک برای پادشاه انگلیس و پادشاه سوئد و پادشاه بلژیک نمی‌افتد؟ ایسین سرنوشت شوم چرا بر سر ما سایه انداخته است؟

در این "تاریخ با زی" که سرگرمی من شده است، ضمن مرور بر دوران مورد بحث به نکته‌ها انگیز دیگری هم برخوردیم: با ز، از قرن گذشته تا امروز کمترین پادشاهی را در مملکت ما می‌بینیم که دستش به خون و زیری آلوده نشده باشد.

محمدرضا شاه را که میرزا ابوالقاسم قائم مقام فرانسوی وزیر اعظم خود را خفه کرد، ناصرالدین شاه میرزا تقی خان امیر کبیر را عظیم خود را به وسیله حاجی علیخان مقدم مراغه‌ای، برگ زد.

محمدعلی شاه علاوه بر آردیخواه‌های که در بایگ شاه کشت، به موئی بسته بود که ناصرالملک همداستانی، رئیس الوزرایش را هم طنبابینه زد:

وقتی ناصرالملک را به شاه غشا حاضر کرد ابتدا دستور داد "قهوه قجری" برایش آماده کنند. بعد تصمیمش را عوض کرد و دستور داد او را طناب‌کشی کنند.

پسیندا زندو خفه کنند، ضمناً "برای اینکه از مشروطه خواهان چشم‌پوشی بگیرد، دستور داد عکاسی دربار را حاضر کنند که از ناصرالملک در لحظه خفه شدن عکس بگیرد.

از بخت بلند رئیس الوزرا، آمدن روسی خان "عکاس دربار" مدتی طول کشید و در این میان خبر به سفارت انگلیس رسید و شاه را شرمناک کرد. چرچیل، دبیرش روسی سفارت، ناصرالملک را از کشتن ناصرالملک باز کرد.

رضا شاه پهلوی وزیرانش، تیمور شاش و سردار سعید در زندان زهر داد.

محمدرضا شاه دکتر مصدق، نخست وزیر ارشد و دکتر قاضی و وزیر خراج را شیربازان کرد.

(این پراشتن را با زینکنم که یکبار به جان من سپرد که در این مورد آخری، به حکم دادگاه نظامی قاضی، بهر با سست تیمسار قاضی و دادستانی تیمسار قاضی، وزیر کشی شد، که این شوخی زشت را کسی باور نمی‌کند و آن قاضیان را، در زندان شگون، با لاترا زپله، حاجی علیخان رنگ زن نمی‌نشانند.)

تنها در این میان مظفرالدین شاه و احمدشاه را که ریودند که دستشان به خون و زیری آلوده نشد.

محاسبه قابل تأمل و تفکر انگیز است: با زهنت پادشاه، اکثریت، یعنی پادشاه و وزیر کشی کرده‌اند.

فکر نکنید که من میخواهم الزاماً تقارنی بین این نکته و آن نکته برقرار کنم و دستانتظام طبیعت را به میان بکنم. نه، چنین نظری ندارم. زیرا از آن زمانی که ناصرالدین شاه امیر کبیر را برگ زد، تا وقتی با گلکوله میرزا رضای کرمانی از دنیا رفت، نیم قرن فاصله افتاد که طی آن شاهنشاهی عیش و عشرت ممکن و مقدور را کرد و انتقام بعد از ۲۵ سال، اسس انتقام نمی‌شود. از طرف دیگر اگر طبیعت چنان دست برتردنی داشت،

با پیدمان موقع که حاجی علیخان مقدم می‌خواست رک امیر کبیر را بزند، پشت دستش میزد و مانع میشد. اندا "دست انتقام طبیعت را مدخله نمی‌دهم" ما بهر حال باید رابطه‌ای بین وزیر کشی و غریب مرگی شاه شاه که عقل من به آن نمی‌رسد.

حالا عرض بنده به همه، با بزرگ و کوچک و سلطان و درویش این است که: دنیا از آدمی مثل ایدی امین دادا، رئیس جمهوری اسبق اوگاندا، که وزیر خراجها را به خورد سوسا رهای دریچه، و یکتوریا داد یا ز آیت الله خمینی که "حیات را در چشم در آوردن و دعاغ

بریدن و گردن زدن میدانند و شروع شادمانی اش با شت "اقتلوا" شروع میشود، توقعی ندارد. اما زما، مدعیان میراث فردوسی و خیال محافظ سعیدی، توقع انسانیت و تمدن دارد.

ما تا گردان مکتب سعیدی، بالاقل، مدعی آنیم، که میفرمود:

ما قبت از ما غبار ما نذر نهار تا ز تو برخا طری غبار ما نماند

بیا شیم با خودمان عهد ببندیم که اگر از ورطه بلای امروز جستم، طوری زندگی کنیم و وضعی حوالی فراموش کنیم که هر جور شد و هر روزی را که اختیار کردیم، چه سلطنتی و چه جمهوری، رژیم متمدنی با شده در آن از یک طرف، رسم و زیرکشی منسوخ شود و از طرف دیگر، این غصه و خفت را برای ما ببارانیا و در که رئیس مملکتان، اینطرف و آنطرف دنیا، آواره و غریب مرگ بشود.

گفتم و با زمیگویم که نمی‌خواهم بین این و آن، رابطه‌ای برقرار کنم. اما آرزو دارم که فرزندان ما، از اینگونه "تیر"های دلخراش:

"محاکمه مصدق در دادگاه نظامی" یا "مرگ محمدرضا شاه در بیمارستان قاهره" - که دل نسل ما را بسختی به دردها آورد - در روزنامه‌های فردا نبینند.

آ، محفوظ الامضاء

سر زلف ساقی

پیشدا ز صفحه ۹

زندگی تحملی آخوندهای حاکم از آنسور بینترجم را می‌آزارد که در گرما گرم شهیدستی اکثریت بزرگ جامعه ایران روی می‌دهد. در نخستین ماههای پس از به قدرت رسیدن انقلاب اسلامی، نه تنها فقر حنین دلازان رسید، بلکه زما صدایان هم اندک شرمی داشتند را این که در جلسو چشم مردم به زندگی تجلی بپردازند. ولی امروز در حالی که فقر پیدا می‌کند، آخوند دولتی هم دیگر چیزی از آن سروای اولیدسان نمی‌دهد.

امروز دیگر برای اکثر کسکی تردیدی باقی مانده است: این به هیچ وجه آن حکومتی نبود که اکثریت شرکت کننده در انقلاب می‌خواست، ولی در حالی که مردم به آرزوی خود نرسیده، آخوندها آرزوی خود رسید.

خون گرفتند حریفان سر زلف ساقی گرفتند چنان بگذا رده‌ها را می‌گیرند!

به کارگردانی اسرائیل

بقیه از صفحه ۴

یافت. و برای آن که خود را از تک و تنها نیندازد، گفت: میانه رویی است که بی آمریکا مذاکره و معاومه می کند.

بدین ترتیب ها شمی رفتنجان تا کمان از عنصری تندرو به سیاستمداری میانه روی مبدل گردید.

رسوایی ایران - گیت، اگرچه یک تیرمان تا زه زدن دستگاه دولتی ایالات متحد در آوردن این سبب گردید مخالفان ریگان که می خواستند تا محاکمه و برکناری او پیش بروند، ناگهان ترمزها را بکشد، ولی بسسه رئیس جمهوری ایالات متحد همانگونه صدمه زد که به رئیس مجلس اسلامی ایران. ها شمی رفتنجان هنوز در زخمیانی را که از آن ماجرا خورده است می آید.

این صدمه دیدگان با زیگران فیلم بودند، کارگردان فیلم، یعنی اسرائیل، تقریباً هیچ صدمه ای ندیده و دستش را هم داغ نکرد که دیگر آن را به سوی زما مداران رژیم تهران دراز نکند.

به تازگی خبرنگار روزنامه معروف فرانسوی فیگاروا از اورشلیم گزارش می دهد که روابط پنهانی حکومت اسرائیل با سردمداران رژیم تهران

همچنان ادامه دارد.

گرچه چیزی دوشن از زمان مداران اسرائیل همواره وجود ارتباط پنهانی با تهران را تکذیب کرده اند، لیکن تفسیرهای رادیو اسرائیل گهگاه چنین القا می کند که مناسبات ایران و اسرائیل دارای زمینه استراتژیکی استوارتر از آن است که به رژیم امروز تهران مربوط باشد، و اسرائیل از فراز حوادث کنونی به فردای ایران می نگرد.

با این همه در سیاست آنچه بیشتر به حساب می آید، انگیزه های روز و عمل است.

مفسران رادیو اسرائیل این پاسخ را به شنوندگان ایرانی خود می دهند که آیا اگر امروز اسرائیل به رژیم آیت الله کمک تسلیحاتی نکند، ایران فردا را از دست خواهد داد؟

اگر چنین محاسباتی درست باشد، پس ایالات متحد و انگلیس هم می بایست برای از دست دادن آلمان پس از جنگ به هیتلر کمک می کردند، ولی آنان به هیتلر کمک نکردند و آلمان فردا را از دست ندادند.

از این حیث اگر محاسباتی وجود داشته باشد این است که برای کمک به فردای

ایران، امروز نباید رژیمی کمک کرد که نه تنها خودش بدون فریاد است، بلکه می گوید ایران را نیز از فریاد خویشت محروم سازد.

در خور فهم است که اسرائیل بخواد هدایت سیاست خارجی خود را در منطقه سبک کند، نیز در خور فهم است که جنگ جمهوری سلاخی و عراق با اسرائیل را در منطقه سبک می کند. اما اگر مردم ایران و عراق تا آخرین قطره خون خود را بریزند، اسرائیل که ریشه در جای دیگری دارد، حل خواهد شد؟

این مسائل با جنگ خلیج فارس بوجود نیامده، با ادا می با این جنگ خلیج فارس نیز از زمین نخواهد رفت. هیچ چیز دیگری را نمی توان جای نشین یک همزیستی مسالمت آمیز در منطقه خاور میانه ساخت. این همزیستی با بد میانه همه کشورهای وجود داشته باشد ممکن است همواره با عراب، امروز بیشتر متوجه جنگ رژیم تهران و عراق باشد تا متوجه مسائلی که تنش در امتداد عراب و اسرائیل را در منطقه بوجود آورده اند.

بهنر است اسرائیل بحث در باره آفرین فردا را موکول به زمانی کند که سائندگان ایران فردا قدرت را بدست گرفته اند.

کمک به رژیم که داده را امروز ایران را نابود می کند، سبب خواهد گردید که فردا وضع سواي آن باشد که اسرائیل آنروز می کند.

لیلی و مجنون نظامی،

گنجینه حکایت های اجتماعی و اخلاقی

بقیه از صفحه ۶

هر کسی که زشاهی امان بود آوردن و خوردنش همان بود بود از ندامت شایه جوانی در هر هنری تمام دانسی ترسیده که شاه آنگاه روز بیگانه شود از یکی روز آهوی * و رابه سگ نماید در پیشگان آرزایند از بیم سگان، برفت پستی هر روز شادی و گوسفندی در مطرح * آن سگان و کندی چندان بنواختن بدینسان گان دشواری بدو شد آنگاه از منبت دست زیر پایش * گشتند سگان مطیع را پس روزی به طریق خشنکی که فرمود بسگ دلان درگاه شه دید در آن جوان خاکی وان سگ متشان سگی نمودند چون سگ به تبرکش رسیدند بستند و بدان نگاهش دادند خود در شده در ایستادند وان شیرسگان آهنین جنگ کردند نصت بسرو آهنگ چون منع خود شناختند دم لایه کنان نواختندش کردش همه دست بند بستند سر بر سر دستها نشاندند بودند بر او چو دایه دلوز تا رفت برای یکی شبانروز چون روز سیب روی بنمود تکتور * سیا به شد زانندود شاه زکار خود بشیمان غمگین شد و گفت باندمان کان آهوی بی گناه را دوس دادم بسگ، اینت خواب خرگوش * بینید که آن سگان چه کردند اندام و را چگونه خوردند سگان جواز این سخن شد آنگاه آمد بر شاه و گفت ای شاه این شخصی نه آدمی، فرستاده است

درخواست اشتراک

بهای اشتراک: یک ساله ۲۲۰ فرانت فرانسه -

شش ماه ۱۱۰ فرانت فرانسه -

دانشجویان نصف قیمت

اینجانب (نام و نام خانوادگی) نام خانوادگی :

Nam

نام :

Prénom

نام :

Addresser

آدرس :

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

توجه لازم

شما دارنده اشتراک این نشریه هستید. نام شما در دفتر ما ثبت شده است. اگر نام شما را در دفتر ما ثبت کرده باشید، نام شما در دفتر ما ثبت شده است. اگر نام شما را در دفتر ما ثبت کرده باشید، نام شما در دفتر ما ثبت شده است.

هیاهوی

عقد گشایی

بقیه از صفحه ۴

روی نداد بود این او " منفی بافانسی" چون او بودند که با "تحصیف" عبارات قانون و فرار از فهم این واقعیت سه " قوای مملکت ناشی از قدرت است" با بفسطو " مردم فریبی را گشودند و این مصیبت بزرگ را بی ریختند و بسه امثال آن تا کسیران لوس و خنگ اجازه دادند لنتراشی بگوید و انتخابان متین رستا خیزی را که به مردم عنا بست کرده و گفته بودند " مجازند از زمین تا ده نغور منتخب دولت در هر شهر یکی را انتخاب کنند " دست بیندا زد و قویخانه بگوید " بما اجازه دادند از میسان ۵ گدویکی را بدخواه انتخاب کنیم " .

و اما این همه بجای خود احق " انکار" تا پذیراست تا می توانید عقده ها را نشتریز کنید تا می توانید بر خمینی و خمینی گری نفرت و نفرت و ناسزا بسازید که جا دارد. ولی در عین حال کلاهتان را ازین قاضی کنید، عیبش را مسی- کوشید، هتروش را انکار نکنید، انصافا و حقا " تا او نیست که به این " عقده" کسائی ها " میدان داده است ؟

کایزد ز کرامت من سرشته است
بر خیز و بیای بپهین در آن نور
تا ضعیف خدای بینی از دور
اودر دهین سگان نستینه
دندان سگان بمهر بسته
زان گری سگان از دها روی
ناز رده برویکی سرموی
شه کرد شتاب تا شتابند
آن کم شده را مگر بی بند
بردند موکلان را هوش
از سگ سگان به صدر شاهش
شه ماند شگفتگان جوانمرد
چون بود گزان سگان کباز زد
گریان گریان بیای بر خاست
صد مدبر آت چشم در خواست
گفتا که سبب چه بودینمای
کاین یک نفس توماند بر جای
گفتا سبب آنکه پیش ازین بند
دادم بسگان نواله ای چند
ایشان بنواله ای که خوردند
با من لب خود بپیر کردند
ده سال غلامی تو کردم
این بود پیری (میوه ای) که از تو خوردم
دادی بسگانم از یک آزار
این بود که تپد سگ آتش خوار
سگ دوست شد و آشنایه
سگ را حق حرمت و ترانه
سگ صلح کند با استخوانی
ناکس نکند وفا بجانی
چون دید شه این شگفت کاری
کس مردمی است رستگاری
هسارند از غم سار مستی
بگذاشت سگی و سگ برستی
مقصودم از این حکایت آن است
کاسان و گهش حصار چان است
لیلی و مجنون با رها و با رها از سوی شاهان مورد تقلید
فرا گرفته است، از میان این تقلیدها هیچ یک بجز
مجنون و لیلی امیر خسرو و لیلی و مجنون مکتبی شیرازی
قابل ذکر نیستند.

* آهو : به معنی عیب نیز هست، یعنی شاه گفت عیب
اورا به سگان نشان دهند.
* مطرح : به فتح اول و سوم: محل افکندن، جایی که
طعمه را پیش سگ می افکنند.
* دست زیر پا داشتن : ظاهرا " کنا پناه گشا دهستی و
بخشندگی است.
* سیغور : به فتح اول و سکون دوم: پا رجه، ابریشمی
لطیف مانند حریر و اظلس، این جا کنا پناه زشت است.
* خواب خرگوش : در وقت خواب بلبک های چشم
خرگوش به هم نمی آید و چشمی با زمی مانند چنان که گویی
بیدا راست، از این روی غفلت و بی خبری را که در عین
بیداری روی می دهد، به خواب خرگوش مانند کرده اند.

تصمیمی که بسیار دیر اتخاذ شد

بقیه از صفحه ۳

به لردان گفت: "جنابان لوردان، دولت مدرکی در این مورد ندارد و با نتیجه نمی‌تواند توضیح بیشتری بدهد. چنانچه پژوهش‌هایی انجام شده با شکی باقی نماند، با توجه به اخذ نتیجه لازم از این پژوهش‌ها، به نظر من ملاحظ نیست آن رایبانه این طریق عنوان کنیم."

همچنین در ژوئیه ۱۹۸۶ هفتاد و هشت تن از نمایندگان احزاب محافظه‌کار، کارگر، لیبرال و سوسیال دموکرات در پارلمان انگلستان تذکات ویه گروهی از نمایندگان را در بربر تحریم فروش اسلحه به جمهوری اسلامی عراق امضا کردند.

در این تذکات ریه آمده بود که مجلس ضمن ابراز نگرانی از ادامه نقض حقوق انسانی در ایران از دولت انگلستان خواستار است که سیاست‌های آن به تقویت حکومت ستمگر خمینی منجر نشود و از سیاست تحریم ارسال اسلحه به دو طرف درگیر در جنگ که از سوی دکتر شاپور بختیار پیشینها شده است، پشتیبانی به عمل آورد.

در پی انتشار این تذکات ریه، دکتر شاپور بختیار طی تلکسی که برای مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های انگلستان مخابره کرده اظهار داشت: "من امیدوارم حکومت انگلستان به بندای مجامع نمایندگان بریتانیا توجه کند و آن رایبانه اجرا درآورد."



هم‌میهنان عزیز!
هر روز تلفن خوبی نهفت ما و منت ملی ایران از ساعت ۱۱ صبح شام و در جریان آخرین خبرهای ایران و جهان قرار می‌دهد.
۴۰۵ - ۹۰ - ۴۰۵ پاریس

رایبانه‌های پستی

برنامه اول
ساعت ۷/۳۰ تا ۸/۳۰ و ساعت ۱۷ تا ۱۸ به وقت تهران: روی امواج کوتاه
در شب‌های ۲۵ متر (فرکانس ۱۲۵۰ کیلوهرتز) ۲۱۰ متر (فرکانس ۱۳۸۵ تا ۱۴۱۴ کیلوهرتز) و ۴۱ متر (فرکانس ۷۱۷۰ کیلوهرتز).
برنامه دوم
ساعت ۶/۵۵ تا ۶/۵۵ روی امواج کوتاه
در شب‌های ۱۹ متر (فرکانس ۱۶۵۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ساعت ۲۱ تا ۲۲/۵۵ پارس
در شب‌های ۲۱ متر (فرکانس ۱۴۰۰ کیلوهرتز) و ۲۱ متر (فرکانس ۷۰۷۵ کیلوهرتز).

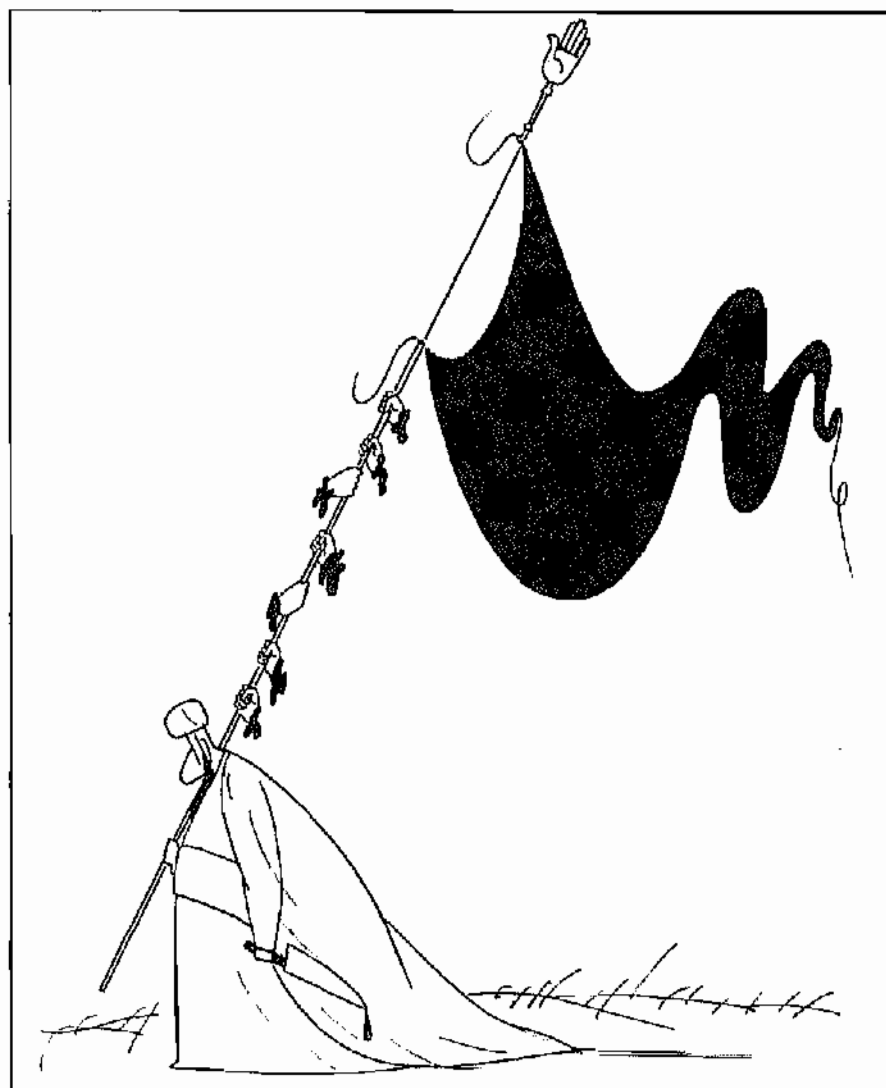
بقیه از صفحه ۱

سیدمهدی‌ها شمی بر اساس کیفرخواست مفصلی که او را به انواع جرائم، زجر و قتل و ترور و جعل و ایجا دفتنه و فساد متهم می‌کنند در دادگاه ویژه روحانیت محاکمه شد و با وجود آن که همه‌ی این اتهامات به او می‌جسید و اگر تا تونی و نظمی بر مملکت حاکم بود بحکم قانون و عدالت برای سیدمهدی‌ها شمی جای جز گوه زندان یا فرا زدا روجوندند است، مع هذا بقول مرحوم ما مجمع جرم واقعی او اینها هیچ کدام نیست و آدمکشی و جعل اسناد و دفتنه انگیزی و

اگر بند ششم زبان داشت...

رسیدگی می‌کنند و بعد از آن که دادگاه او را رد و شور و در فاصله چند ساعت حکم می‌دهد، در محاکمه خونریزی‌گرا و روانه است یعنی محاکمه فقط چند ساعت طول می‌کشد و لسی صدور رای و اعلام آن روزها و هفته‌ها و ماهها، بلکه سالها طول میکشد و ای بسا که هیچوقت حکمی صادر نشود! بهرحال، سیدمهدی‌ها شمی بخاطر همسان جرایمی که در کیفرخواست نیا مده است محاکمه شد. اگر آن چند نقطه‌ای که بجای بند ششم جرایم سیدمهدی‌ها شمی در کیفرخواست دادستان می‌بینیم زبان داشتند و ناگفته‌ها را میگفتند آنوقت معلوم میشد فرشته عدالت چه گونه ناگهان چشم باز کرد و به جنایات و فجایع سیدمهدی‌ها شمی بی‌بر و چراتا وقتی سیدمهدی‌ها شمی انگشت در لانه زنبور نکرده بود هیچکس هیچ دستگای در جمهوری اسلامی اهمیت نمی‌داد و قبل از انقلاب چه کرده و بعد از انقلاب مشغول چه کارهایی است! طبق مندرجات کیفرخواست، سیدمهدی‌ها شمی دربار زجوشی گفته است: "تا شیرگذاری الگوهای نظیر انقلاب مروجین و ویتنام نقطه کج روی و کج - اندیشی را در من منعقد کرده است."

برای شرمین کج روی و کج اندیشی بود که سیدمهدی‌ها شمی انقلاب اسلامی را با ما انقلاب چین و اما مخمینی را با ما شوتسه دون عوضی گرفت و تصور کرد چگون مسافرت مک‌فارلین به تهران و مذاکرات محرمانه‌ی با بعضی از بزرگان جمهوری اسلامی انقلاب را به خطر انداخته است با بدان را بر ملا کرد، کج روی و کج اندیشی همین بس که سیدمهدی‌ها شمی پنداشته بود در جمهوری اسلامی بدون اطلاع و اجازه "مقاوم‌هری" کاری، آن هم در سطح مذاکره با آمریکا، انجام شده است.



مستقل و مجردا زنا می‌ش "محا که" تا بل تا مل بنظر میرسد، دادستان داسراری ویژه روحانیت - حجت الاسلام علی فلاحیان - اتهامات سیدمهدی‌ها شمی را در هشت ماده فهرست کرده است. ماده ششم هیچگونه شرحی ندارد. بین ماده پنجم و ماده هفتم، فقط رقم "۶" را می‌بینیم و جلوی آن چند نقطه.

این هم از بداعات داسراری خونریزی است که شخصی را به اتهام چیزی که در کیفرخواست نیا مده است محاکمه می‌کنند. به شتر گفتند شات از بس است، گفت چه چیز مثل همه کس است؟! دادگاه و دادسرا در حکومت آخوندها همه چیزش با یدیم بیاید. همه جای دنیا رسم بس اینست که برای رسیدگی به پرونده‌های مرجوعه، دادگاه جلسات متعدد تشکیل می‌دهد و روزها و هفته‌ها به جزئیات امر

ایجا در عقب و وحشت در بین مردم جرایمی است که اگر مینای با زدا شت و محاکمه و مجازات اشخاص قرار گیرد اول باید به سراغ خود ما موصحا به خاص و شاگردان و دست پروردگان و وزیران و وکیلان و سفیران اوبروند.

گر حکم شود که مستگیرند در شهر آن که هست گیرند!

سیدمهدی‌ها شمی را بدلیل این که در ترور و آدمکشی دستی چیره داشت از زندان درآوردند و بسول و اسلحه و انواع امکانات در اختیارش گذاشتند و اجازه دادند دولتی در داخل دولت تشکیل بدهد و قدرتی آنچنانی بهم بزنند و الا او را که قبل از انقلاب اسلامی بخاطر ارتکاب قتل محاکمه و محکوم شده بود شما نچا در زندان می‌گذاشتند تا دوران محکومیتش را تمام کند.

نشانی:
QYAM IRAN
C. O. C. B.
17, bd RASPAIL
75007 PARIS
FRANCE

ایران هرگز نخواهد مرد